

حکومت نهمه شاید تمام عاید نشود و بعضی سوخت ماند. اینست که عرض می‌باید از کل مالیات توابع بدر عباس و میناب که غیر از تقدیمی‌ها تقریباً ۲۷ هزار تومان می‌بماند قریب بیست هزار تومان تا امروز عاید حکومت شده و چیزی هم نزد کلانتر محل باقی میباشد. و بعضی جزئی هم لاوصول تاکنون مانده. از مابقی ندرتنگه هم آنچه به تحقیق خبر دارم ۱۲ هزار تومان مالیات بدرتنگه تمام وصول شده. سوای چیزی صد تومان که به تکلیف نهار مخفیانه به کلانتر محال داده که آن را هم باز مطالبه دارد.

از بوشهر اطلاعی ندارم ولی مشهور است مشت نمونه از خرمین است. کذب این دو محل که ثابت شد مابقی هم همین منوال خیال باید کرد. محض استحضار خاطر مبارک اولیای دولت عرض شد. در مقابل مالیات عباسی اگر هم چیزی لاوصول مانده از ماه شوال تا کنون مبلغ ۶۰۰۰ تومان حقه محارج تشکیلی از گمرک دریافت نموده اند مابقی حسابات را حکمران مرمت کنند

(حیل المذنب)

دوره دار سحت این خبر ما هستیم و علت اینست نگارنده که یکی از مونس و معتبرین است اصحاب خوارا محفوظ داشته استبداد حکومت است چنانچه نائب‌الحکومه بدرتنگه بواسطه حق بوسی در موضوع سد سپردن نامیرا بجز انگلیس و فرود آوردن قشون به بدرتنگه آقا محمد اسحاق همدی را که یکی از وس حواهان سمیعی و خدمات نمایان در این چند ساله به مشروعبیت ایران بوده بر حسب حکم حکمران مورد عتاب قرار داده تحت شکنجه اش آورده. بدتر از دوره استبداد تا کورش را زیر چوب‌بر می‌چندند احدی هم نارخواست به نموده یعنی کسی به کسی نمود. و حال آنکه مصدق قول مشارالیه جوان بود که جناب سر ادوردگری وزیر خارجه انگلیس در پارلمان انگلستان داد و روز در جمیع دنیا منتشر و روزنامه طمس منصلاً نگاشت در این صورت ابدأ نمیتوان تا وقتیکه یادر در دائره مشروطیت شامل شده امضای نگارندگان و وفق را فاد و ما میدانیم که مدیر مصفری هم در نگارش این گونه غارین بچاره است و ابدأ جای شکایت

نائب‌الحکومه لنگه ورقه را بمنتف از رخی امضا گرفته تا برده بوشی بروی حرکات خود خواهانه حکمران بیادازد ولی نهان کی ماند آن واضی کراو سازند محفلها

شامت کارهای دریا یکی آفتاب و مرکز باین نگارشات برده بوشی نتواند شد امیدواریم که رئیس مایه خانیج جناب آقا میرزا محمودخان که بوطن خواهی و درست کاری ایشان از سابق و لاحق مستحضر و اطمینان بحس درایت ایشان دایم کما بلیق کشف اوضاع مایه بنادر را در این دو ساله اخیر بنمایند رابورت صحیح و مکمل بوزارت مایه تقدیم کنند تا (سبه روی شود هر که در اوعش باشد)

بهران

نظر بآنکه مسئله شرارت حضرت بویر احمدی بدرجه کمال رسیده آقدر در راهرنی و سرقت اموال تجار و قتل نفوس عارین و مترددین اهتمام کرده و دند تا بالاخره همین اعتشاش راه بوشهر الی شیراز و شیراز الی اصفهان و سیده اولتیهام انگلیسها مدت سه ماه گردید. در بدو ورود ایات فارس به بوشهر با داشتن یکفر سوار و سراز دواتی و عدم وصول یکدیگر مالیات و محو استی یکشاهی از طهران تصمیم عزم نموده و بوسیله محارج گزاف متدرجاً چه از املاک شخصی و چه از خارج سوار و تشکیلی حاضر و به بهران روانه داشتند تا بانکه به تنبیه آنها موقوف شده این مراسم مختصر را از مرکز رهائی دهند. آنها در سدد فراهم نمودن جمعیت بودند و حضرات قوامیه و خود بویر احمدیها مستحضر شدند مراتب را در مرکز اطلاع و پس از تحصیل اجازه پسر ملا صیدال بویر احمدی با جمعی اشرار دیگر سینه بهارات دیوانی و قور حانه دولتی بهبهان ریخته جمعی را مقتول و آنها را تصرف کردند. مقدمه قشون ایات حکه به بههان رسید از ترتیبات مخصوصه و دستورالعملهای محرمانه طوری اقدام کردند که بمحذافه هم قورخانه و عمارات را از تصرف اشرار انتزاع و همه پسر ملا صیدال را با جمعی دیگر از اشرار گرفتار و حبس کردند

پس از آن که این اقدام از ماهورین ایالت

است و نیز روسیان رسماً باخراج قشون خودشان از قزوین به نائب السلطنه اطلاع دادند. غرضشان ازین امر يك تیر و چند نشان است

اول اظهار همراهی و ابراز خدمت به نائب السلطنه جدید دوم هیجان و سکه امروزه ملت برخلاف روسیان من باب اقل شهید راه حریت مرحوم صنیع الدوله حاصل نموده کم نمایند.

سوم بدین وسیله حسن ملت را کشته بایکوت امتعه خود را رفع کنند. درین صورت مظنون نیست مقام منیع ریاست روحانی اسلام بر موز کار بی نبرده حرکت دادن دسته قشون خودشان از قزوین رسته های دو ساله را بیه نمایند.

از اخبارات موقفه مدال گردیده است که محرك قتل مرحوم صنیع الدوله صریحاً و با اعیان دولت روس بوده. دولت روس از يك سال باین طرف بزرگترین مانع پیشرفت مقاصد خود را مرحوم صنیع الدوله و چند نفر دیگر میدانست. بتدابیر عملی یکی را از طهران خارج نمود دیگری را از وزارت اداخت. آخرین که مرحوم صنیع الدوله بوده بشهادت رساید.

ما ایرانیان باید ترك طاهر بیی گفته کشف حقایق نموده ساده لوحی را کنار گذاریم و نفع و ضرر خویش را بشناسیم و بیش ازین گول نخوریم. گایینه های ما مرعوبیت شان لازم به بیان نیست و مسئولیتشان هم همان است که در این دو ساله دیده ایم. نهایت وقتی سکه کار برایشان سخت شد استعفا میگویند و لو هر قدر خرابی کرده باشند و هر اندازه زیانشان بملت رسیده باشد مجازاتی در کار نیست و مجبوری آنها و نزاکت بخرج دادنشان از عنوان این تلگرافیکه بولایات و محف نموده اند هویداست. حالا باید دید سکه مقام منیع ریاست روحانی اسلام چه مسلك اختیار فرماید.

تلگراف آیه الله بندگان آقای

(صدر اصنهای به مشهد)

مشهد - جناب حاجی شیخ علی اصغر بلور فروش - بشارت اجتاب برادران مشهد مقدس از اجناس روسیه رسید. بسیار لازم بود سرور اگر دلم اللهم دیگران اقتداء خواهند نمود انشاء الله

تلگراف هیئت علمیه نجف اشرف به مشهد
توسط انجمن ایالتی، علما و مجتهدین عظام و تجار کرام و تمام طبقات ملت را بترك استعمال امتعه روس تنهیت و تبریک می گوئیم. رجاء و اتق آنکه اهالی سایر بلاد در ترك استعمال امتعه روس که موجب تقویت اسلام و خوشنودی حضرت نامن الایمه (ع) است تاسی بان غیر نمندان نمایند

(هیئت علمیه نجف اشرف)

ایضاً بجمیع بلاد ایران

عموم علما و مجتهدین عظام و تجار کرام و سایر طبقات ملت را بسلام وافر مصدق، بواسطه تعدیات و اجحافات دولت روس عموم اهالی خراسان احساسات اسلام پرستانه نموده اظهار پیشقدمی در ترك استعمال امتعه روس کرده اند. مستعدی چنانست است عموم ملت در اظهار احساسات اسلام پرستانه و تقویت ملت خراسان ترك استعمال امتعه روس بنمایند که باعث خوشنودی صاحب شریعت مطهره و امتنان داعیان است

(هیئت علمیه نجف اشرف)

تلگراف هیئت وزراء از طهران به ولایات

عموم فرمانفرمایان و حکام جلیله و انجمنهای محترم ایالتی و ولایتی، مطابق اخبار واصله بسمی تلگرافات از سلطان آباد عراق باستناد تلگراف هیئت علمیه نجف اشرف دیده شده که مدلول آن تقاضا و تشویق به ترك امتعه روس است و محتمل است این خبر از آنجا بسایر نقاط نشر کند، چون با اطمینانی که اولیای دولت امروزه بمسئولیتها دولت روس حاصل کرده اند و اظهار موافقت که از آنطرف شده و میشود اقتضای برای این اقدامات نیست مراتب به ناحیه مقدسه ریاست روحانی دامت برکاته تلگراف شده و یقین است که با اولیای دولت و ملت هم عقیده خواهند بود، لزوماً اخطار میشود که در این باب اگر خبر ناخجا برسد موقی با اقدامات غیر منطره نداده جلوگیری بنمایند تا از طرف حضرات آیات الله دامت برکاتهم العالی اوامر مقدسه هواً مخصوص شرف صدور یابد. در آنجا هم با آقایان علمای اعلام و مجلس شورای ملی شید الله ارکانه

تقدیر بی لوث

وفق که انسان درد های ملت و زمان خود را می بیند لابد درد و مصیبت شخصی را فراموش می کند . توضیحاً اینکه قریب یکماه قبل بعد از حلاقات امپراطورین روس و آلمان در پورتسمام از اقدامات دولت و ملت عثمانی و هیجانات آنها که محض دیدن اینکه دولت آلمان می خواهد بدولت روس تعهد بکند که در (مزوپوتامی) نگذارد غیر از خط بغداد راه آهنی کشیده شود و از طرف دیگر در تعهداتیکه درباب راه آهن ایران میشود اسم قطعه هم از سرحد عثمانی بدرت اطلاع عثمانیات برده میشود ، البته در جراید خارجه و داخله همچنان آنها را ملاحظه فرمودند که چه هنگامه کردند و چه گفتگوها دربارانت آنها شد ، در صورتیکه بیشتر مضمون این قرارنامه راجع بوطن معلوم ما بود حتی برای سکوت عثمانی ما دولتین روس و آلمان با آنها بالاخره مجبور شده گفتند که مقصود از کلیه این مذاکرات فقط ایران است ، چرا انسان دیوانه نشود از دیدن اینکه در این موقع از خود دولت و ملت ایران ابداً صدائی بلند نشد

و چیزی امروز بیشتر اسباب اوقات تلخی شده این است که بنده همچون تصور می کردم که ایرانیان شاید از مندرجات این قرارنامه مسبق نیستند ، امروز بنده جراید طهران رسید ، با یک حیرت تمام واقفوس بنهایت دیدم که این روزنامه های ما مضامین همان لایحه را عیناً ترجمه کرده و هیچ وجه اظهار رای و عقیده ننموده و باز مشغول مشت زدن بکله یکدیگر شده اند ، مثل این است که مقصود از مملکتی که دولت آلمان در شمال آن منطقه نفوذ روس و منافع خصوصی او را متصرف می شود و تعهد می کند که من بعد در آنها پاره امتیازات نگیرد و از طرف دیگر مقصود از مملکتی که خطوط راه آهن آنرا دولت روس بدون اطلاع آن مملکت مخصوص خرید دانسته و در آن باها قرار مدار می گذارد ، مقصود از آن مملکت به ایران است بلکه گوشه از افریقا است که ایرانی ها می شناسند و حتی در آنها ندارند

که قصص بزرگ روزنامه های داخلی ما این است که از بسکه همه مطالب آنها راجع بیک مطلب است و از بسکه در مکررات صفحات روزنامه های خود را صرف می نمایند و از بسکه مطلبی را که میشود در ده سطر نوشت و ادای مطلب کرد در دوپست سطر می نویسند و هیچ کس را وقت و فرصت و دماغ خواندن نمیشود و از بسکه ستون های آنها بر از تحریرات بی امضا و امضا محفوظ و مذاکرات شخصی است ، و از بسکه در تمام نقاط مردم روزنامهجات داخله منحصر بتلگرافات و عرایض کتبی کرده و سواد یک عریضه را همه می فرستند و همه می نویسند بصارت آخری از بسکه روزنامهجات قدر و قیمت ستون های خود شان را نمیدانند کار بجائی رسیده است که ابداً در جراید از صنایع و تجارت و مالیات و معادن و جنگل ها و محصولات و قوانین جدید و هزار مطالب دیگر مثل اینها از قشون و غیره که اقلاً دو صفحه هر روزنامه باید مصرف آن باشد ابداً اثری نیست ، و آنچه هم نوشته میشود بدون ملاحظه محسنت اجالی و بدون تحقیقات لازمه است ، و هیچ تدقیقات صحیحه در امور و مسائل مرعی نمی شود ، مثلاً ملاحظه فرمائید متصل می نویسند که قشون روس در ایران است و تا حال یک نفر پیدا نشده است خواه از دولتیان و خواه از صاحب قلعهان داخله که درست تمیین کند که عدّه قشون روس از روی حقیقت چقدر است در تمام ایران ، و در آذربایجان و غیره چقدر است و هیچ کس نمی نویسد که در مقابل قشون روس در تبریز دولت ایران چقدر قشون دارد که ایران خواهان دست آویز کرده در خارجه کار بکنند باید دولت ایران مثل دول دیگر در هر یک از اتصالات مهمه سیاسی که می افتند (کتاب سبز) که متضمن تحصیل اقدامات و تحریرات وزارت خارجه و جوپ سفرای ایران در خارجه باشد چاپ کرده و به مجلس بدهد ، و محسنت این امر زیاد بر آن است که بتوان به نحو آورد در ضمن هزاران نتایج خوب دیگر بگویم این خواهد شد که سفرای و مأمورین ایران در خارجه حالاً و افعلاً قدری تقدیر میشوند و این سفرای متصل باشیاه و لاف در *

تیلانور، خوب است که این در را باز نمایند تا معلوم شود متأسفانه اخبارات فارسی از مدافعه یکبارگی فرصت تنقید مطالب مفیده را نمی باشد و خوش مزین آنکه فقط از تنقید این را فهمیده اند که با هر کس طرف هستند دشنام دهند. يك اخبار يك وزیر را خائن بملت و وطن فروش می نویسند. اخبار دیگر او را خادم حقیقی و حامی استقلال ایران می نگارند. و این مسلکی را که جراید اختیار نموده اند در هیچ مملکت مشروطه یا جمهوری دیده نمیشود هیچ روزنامه نگار حق آنرا ندارد که به احدی خاصه به يك وزیر یا يك وکیل که مدتی در کار بوده و هست باین صراحت و فاشا فاش دشنام گوید و مرگه جرائدان مسلک خودشانرا تغییر ندهند و از روی ماخذ تنقیدات مؤدبانه از وزراء و وکلاء و غیره نمایند و دشنام را عیب نشارند هیچ کابینه فائل هیچ کاری نخواهد شد. امیدواریم که ارباب قلم اندکی به جرائد سائر ممالک مشروطه رجوع نموده سرمشق حاصل نمایند ورنه ولو موقت هم باشد دچار سانسور و تضییقات دیگر خواهند گردید چه هنوز مملکت در حال رو لبیبونی است و با این گونه نگارشات اخلاق فاسد تر و هیجان بخش و امنیت مرتفع میگردد عبرت گیرند از جرائد عثمانی و خود را بآن تضییقات دچار نسازند که پشمانی را سودی نخواهد بود

حبل المذین

چون ما از زیات خاصه صاحب تنقید بخوبی واقف امیدواریم ما و همگان محترم مان از صاحب آن قایده بزرگبیم و رفت رفته اخلاق ملت را که از شامت استبداد فاسد شده خیل از دشنام خوششان می آید تبدیل دهم. و در تنقید مسلکی اتخاذ کنیم که مورد طعن و توییح نشده بر تخریراتمان شایسته غرض نرود

خلاصه سوال و جواب يك از مسافرن

(با آقای نظام السلطنه)

(فرمانفرمای فارس در بوشهر)

ایالت فارس - شما کجا ایجا کجا خیل تعجب دارم که شما را ایجا می بینم

مسافر - درست میفرمایید لکن تقدیر الهی چنین اقتضا کرد که مدتی است از طهران بیرون آمدم از طریق روسیه و اسلامبول به بندرستان و ...

بجهت بعضی اطلاعات طازم عراق عرب هستم و خیال نداشتم ایجا پیاده شوم. دیدم از لشکرگاه تا بوشهر آمد و شد زیاد میشود و اغلب جهاز و بنسنگاره مارا آئین بسته زینت کرده اند. برسدیم چه خبر است، گفتند امروز ایالت فارس از طریق عموره وارد بوشهر میشوند، چون شایق شرفیابی بوده پیاده شده، خداوند خواست که باین فیض عظمی برسیم، اولامستدعیم فرمایند سبب تحمل این همه زحمت و از این طریق آمدن چیست؟ زیرا که از کرمانشاه به اصفهان و شیراز خیل راه نزدیک تر بوده ایالت فارس - بلی صحیح میفرمایید که آن راه نزدیک تر بود لکن بچندین ملاحظه این ضرر و زحمت را بر خود هموار کرد، اولاً آنکه این راه هرگز عبور و مرور نشده و چنان صعب المرو است که در چند موضع کاه ریخته روی کاه نمد انداخته اسبها را رد کردیم با وجودیکه تمام خاک و رعیت ایران است، لکن این مشت لر و عرب بادی نشین خیال میکردند غیر از خودشان هیچکس قدرت عبور از آن طرفها ندارد و با وجودیکه قبل از وقت پیش بینی کرده بوالی (بشدکوه) نوشتم که عن قریب با سیصد نفر از سوار و ... بیت رکابی خودم از این راه طازم بندر ناصری و محرم هستم، والی هم همه جا آدم فرستاده خبر داده بود باز وقتی يك آبادی و چادر ایلی میرسیدیم از ما فرار کرده بلکه خیالات دیگر داشتند، ولی وقتی میدیدند هر چه لازم داریم بول میدیم کم کم از گوشه کنار پیدا شده بیشتر از آنچه میخواستیم حاضر کرده هر قیمت میکنند بول میدادیم، این يك حکمت که رعایای گوشه و کنار ایران فهمند که صاحبی هم غیر از خان و کلاتر خود دارند و حکمتهای مکتونه دیگر دارد که حالا مقتضی گفتن نیست، وقتی که انشاء الله بروز کرد همه خواهند دید که در عبور از این راه چه خدمت بزرگ ملت و دولت شده است. حال ملاحظه فرمایید اگر خود من از این راه نیامده بودم چه طور این مطالب که صد يك او را عرض نکردم به من کشف می شد که بلیتیک امروزه دولت عثمانی و همسایه دیگر چیست، لکن اصل مقصودم این بود که اول از طرف بنادر جنوب و

عشق و دشتستان کار را صورت داده باشم ، چنانچه حال که وارد بوشهر شده ام مثل این است که در خانه خود باشم و هر چه میخواهم موجود است ، زیرا که امروزه باید قوای ملی را جزء قوای دولت کرد و کار نمود ، ملاحظه کنید که فعلاً یک مریض محض بر طبیب و دوا و پرستار را که از همه جهت و مجبور است بدست من داده اند

مسافر - آری این چنین مریض لازم بمساجله طبیبی مثل حضرت عالی بود . من در این مورد بر رای وزراء عظام مرار تحسین میبایم که طبیب این مریض را شناخته اند که بحرب و کار کرده و خودش بصیرت امراض این مریض است و امیدوارم بزودی عرق صحت یابد و گره این قدر طبیب بی تجربه در خود مرکز موجود است که بکار میباشند

ایالت - لهذا ایجا که خانه من و اغلب ملک و رعیت طردم هستند که الحمد لله می بیند این جمعیت که فعلاً موجود است همه اختیار خود میتوان استقبال و دیدن من آمده اند ، آنکه من آنها را خواسته باشم ، مثل جناب سردار عشایر که با سایر کلاسیان و خوانین این جلیل قشقائی چندین روز است در ایجا منتظر ورود من بوده اند که کمال امتنان از ایشان دارم ، در این صورت که همه اختیار خود آمده اند و ماشاءالله این قدر جمعیت است فردا که من جمعیت را اردو بخوام بفرین دارم دو سه روزه خیلی جمعیت حاضر شود و انشاءالله تعالی شروع باجرا مقصود و انتظامات مملکتی بنایم و به ادک مخارجی این قوه را با قوه دولتی جزء عمده بخواست خداوند اسباب بجات این آب و خاک را فراهم آورم

مسافر - دیدم عقب دکتر فریگی فرستادند مگر خدا نکرده کتاتی عارض است ،

ایالت - چند سال است که صداع و چند مرض دیگر عارض شده و مکرر خواسته ام بروم فرنگستان بجهت مساجله و مقدر نبوده و همیشه جعبه دوا آلات همراه دارم . خیال کردم دستور العمل هم از دکتر ایجا بجهت کم شاید انشاءالله مفید گردد و بعد بتوان خدمت بدوالت و ملت خود بنایم

مسافر - جویش نیت حضرتعالی در این

مأموریت فقط نجات وطن عزیز و کسب شرافت ابدی و خالصاً لوجه الله است گمان میکنم انشاءالله تعالی رفع جمیع امراض ظاهر و باطن بشود و آنچه از قرینه ظاهر است رموز کار بخیر است ، زیرا که می بینم حضرتعالی هر چه بفرمائید کلیه انشاءالله و بخواست خداوند عقب آن است و هیچ تکیه به کفایت و درایت خود ندارد ، این است که مالمطبع خداوند امورات را باصلاح می آورد ، مثل اینکه می بینم متصل سوار و جمعیت است که از اطراف میرسد و الحمد لله همه نوع اسباب آسایش و تهنیت جنوب میبایم ، بقول شاعر (شراب نابو بای آب و بار مهربان ساقی - دلاکی میشود کارت اگر اکنون نخواهد شد) الحمد لله اردو ر جمعیت و همه آقای سردار عشایری حاضر است

ایالت - اینها همه فضل خداوند است و من بشا بگویم بخدا قسم حق الامکان راضی هستم از دماغ کسی خون بیرون نیاید

مسافر - فعلاً اردو را بچه طرف میفرستید (ایالت) گویا شما خبر ندارید که اشراو تنگستان و دشتستان چه تنها بر پا کرده چند نفر از رؤساء و اجزاء گمرک را کشته و گمرک آجاها را غارت کرده و چند سال است مالیات نداده و کسی جرئت ندارد بانطرفها برود و متصل تلگراف رمز است که مستقیماً و بنوسط گمرک میرسد مسافر - بطرف لارستان هم از ایجا اردو میفرستید یا از شیراز ؟

ایالت - حالائی توانم انخطب را جواب دهم تا به بینم خواست خداوند چیست مسافر - آیا حکومت بنادر هم جزء فارس میباشد ؟

ایالت - امنیت بنادر موقوف به امنیت فارس و دست و گریخت است اگر جزء نباشد جدا هم نیست و امروزه جمیع مستخدمین دولتی باید بالای غیرت وطن برستی نموده ما و تو را کنار گذاشته در حفظ استقلال وطن عزیز خود از صرف جان و مال دریغ ندارند ، چرا که هر چه ما پیدا کرده ایم از همین آب و خاک بوده حکومت فارس و بنادر و کرمان و اصفهان و تبریز و خراسان یعنی همه مال اینها دولت و ملت است و مشاهده

بواسطه قوامیها خوانین بوبر احمدی و همه و آقا را
 همك شده اند که در موقع ورود حکومت جدید
 بهمان جداً مخالفت نموده و نگذارند مشارالیه وارد
 بهمان شود، اگرچه مامورین ایالت نیز تا
 کنون از سد خیالات آنها عاجز مانده و تا امروز
 سکه حکومت به هفت فرسخی بهمان رسیده،
 و متجاوز از دوهزار و پانصد نفر سوار و فتنگی
 نزد حکومت رسیده است که کان ندارد اشرار قادر
 و مخالفت شوند، ولی مقصود عرض مایب کار است
 که وقتی باشد در مملکت آقدر دستهای قوی
 بخریب امور بکوشد دیگر چگونه امکان پیشرفت
 کار خواهد بود حکومت بکنه ما چند قوه مختلف
 چگونه میتواند مقاومت کند،

آخر بدیده انصاف ملاحظه فرمائید اشخاصی
 که ده روز قبل عمارات دیوانی و قورخانه دولتی
 بهمان را تصرف نموده و آنچه شرارت و خونریزی
 کرده حالا که گرفته اند شده علی نقی خان همه
 در نهایت وضوح تلگرافاً از حاجی خسرو خان سردار
 طفر بختیاری که برادر آقای سردار است تقاضای
 صدور حکم استخلاصی آنها را از مجلس مقدس میکند
 و هیچکس بست پیرسد که شما را با این اشرار چه
 ارتباطی و این اشخاصی که فقط آنها وسیله ارتباط
 انگلیسها شده اند چه مهر و نقدی است، سواد
 تلگراف مزبور را هم لفاً فرستادم سکه ملاحظه
 فرموده و از دردهای کار مستحضر باشند

(نقل تلگراف)

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل
 اکرم ولی نعمت کل آقای سردار ظفر مد ظله
 دستخط قدر انصاف تلگرافی زیارت در
 خصوص حضرات آقای چون از جمله جاگران حضرت
 اجل مستند و با بنده مودت دارند اخبار حکومت
 حضرت اجل را شنیده بودند هم جبهه استقبال و هم
 جبهه معامله به بهمان آمدند، بهادر دیوان علی الرعم
 بست نفر از آنها را گرفت فعلاً محبوس هستند، استدعا
 جناب دستخط تلگرافی استخلاص آنها را از
 مجلس مقدس شیدالله ارکان صادر فرموده آنها را
 مرخص نماید، بابت وجه حومه فعلاً عظیم بیک
 مشغول جمع آوری است (جاگر علی نقی)
 بدیده انصاف ملاحظه فرمائید وقتی که اشرار

بوبر احمدی بدانند در طهران حامی مثل سردار ظفر
 دارند و نیل بختیاری هم پشت آنها است دیگر چرا
 قورخانه و ذخیره دولت را تصرف نمیکنند، این
 علینقی خان همه خودش از اشخاصی است که ذخیره را
 تصرف کرده که حالا روزی بک تلگراف از سردار
 ظفر باو میرسد و این توسطی که از محبوسین آقا
 سکرده است همان مرتکبین تصرف عمارات دولتی
 هستند ایالت بقدر استعداد فرستد که جنو بختیاری
 و همه و بوبر احمدی بگیرد خصوصاً وقت که بدانند
 در شهر است برده بونی و سایر اعمال آنها است
 دیگر چه امیدی از این ملت و مملکت دارد
 بی القوام در لارستان در استبداد صغیر کاری کردند

که شهر نکرده است و جنگیز از آن حرکات و جنبه
 شرم دارد باوجود این دو سال است جنوب ایران
 بلکه تمام ایران بحال رخ آنها نزدیک است بر باد
 رود حالا هم سکه آخر الحلاج ایالت فرستاده اند
 باز هم دست از آنها برداشته مثل میرزا آقا خان
 صدر اعظم که بفرخ خان امین الدوله نوشت انگلیس
 در باب مصالحه هر چه بگوید بپذیر فقط ابتلی من
 مقید باشد، اینها هم بگویند فارس دست احاب
 برود ایران خراب بشود بی القوام مستقل باشند
 تلگراف وزارت داخله از طهران به ولایت
 بموم فرما نمایان و حکام، نظر بر اینکه اساس
 طی مراحل ترقی و نوبت ملاحظه منوط و
 مربوط به نشر معارف دو نفاط مملکت است و در
 این موضوع هیئت با هم کمیسیون تحقیقات علمی در
 تحت نظر وزارت حلیله معارف تشکیل یابد، با
 کمال تأکید حاضر آقایان فرمانفرمایان و حکام جلبله
 را یاد آور میشود که کلیه دستور العمل های آن
 کمیسیون را از قبیل تعیین مدارس و عدد متعلمین
 و عکس آنها و عکس آثار قدیمه و تاریخی هر
 نقطه از ممالک محروسه را که بخواهند بوسایل فوریه
 کمیسیون مذکور ایصال داشته و در هر یک از ایالات
 و ولایات هیئت از طرف این کمیسیون تشکیل شود
 کمال مساعدت را معول دارید، مصارف هم که باطلاع
 حکومت محل و انجمن محلی برای انجام تحقیقات
 مزبوره پیش بیاید قیمت آن از وزارت معارف
 بتوسط کمیسیون مرکزی پرداخته خواهد شد،

«تلگراف وزیر معارف و فوائد عامه»

(از طهران بولایات)

ایات حلیله فارس، رای انجام تحقیقات علمی لازم است که فوراً انجمنی از شش نفر دانشمند تشکیل شود و ماحلاً شروع نمایند عدد مدارس طلاب نشین و عدد طلبه و مدارس جدید و مکتب خانه ها در شهر و قصبات و دهات اطراف را با عدد محصلین و شاگردان از پسر و دختر هرچه هست ثبت کنند و هرچه زودتر بمركز بفرستند با بست دستورالعمل کتبی رای انجمن مزبور خواهد رسید، اعمای این انجمن حتی غیر از کسب شرف و توجهات مخصوص که درباره آنها خواهد شد ندارند ولی مصارف لازمه که بتصویب حکومت و انجمن ایالتی رسیده باشد بسمه کیسیون مرکزی است، نتیجه اقدامات را با نام رئیس که انجمن از میث خود معین میکند تلگرافاً اصلاح بدهید (وزیر معارف و اوقاف و فوائد عامه)

«صورت تلگراف بدر عباس به طهران»

والاحصرت اقدس آقای امیرالسلطنه دامت شوکته، تبریکات صمیمانه، و تهنیت خاصه و ورود موکد مسعود تقدیر فاشته و دارم و بعی وجود مبارک ارحمادی خواهام، حادرتا حاضر مبارک را بسوی سرحد جنوبی مملکت و معادن بدر عباس متوجه میسازد زیرا معادن انواع و متعدد، مستأجر در صدد امتیاز، اما دون فرستادن مهندس معدن شناس و تحقیقات لازمه موجب بین دولت، راپورت معادن ماه ربیع الی رجب بورارت داخله داده ملاحظه فرمائید، کلیه سادر جنوب بدون استعداد لشکر ساخت و توپ و قورخانه سایر لوازم محافظت ندارد، باین سبب اشترار فارس و کرمان هب توابع و قطع طرق بنش گرفته اسباب بهانه خارجه شده مستدعی ازرای صائب والا حصرت نگاهمداری سرحد مملکت است فدوی میرمحمد اوزی

«جواب تلگراف فوق»

عمدهالتجار آقا محمد تاجر تلگراف تبریک شما بعرض مقام منبع والا حصرت اقدس اعظم آقای ناسالسلطنه دامت عظمته رسید و مایه خوشوقتی خاطر خاطر گردید (مستشارالسلطان)

«قابل توجه وکلای ملت ووزرای دولت»

(خصوص وزارت امور خارجه)

اوضاع بلوچستان حالیه خیلی خطرناک و اسف انگیز است ازحد (جاشک) الی جاه بهار بلکه تمامی بلوچستان از نفوذ ابرار خارج و مامورین دیگران در تمام حاکم بلوچستان آمرزمای می باشند - از (جاشک) الی (جاه بهار) در تمام نادر جزو لشکر خارجی ساخلو شده باسم اینکه شاید افغان چپه بردن اسلحه بیاید تمام امراء بلوچستان مواجب خور و فرمانبر مامورین دولت عدالت پسند همسایه شده اند بدون استثنا سوای یک هر امیر برکت خان بهادرالسلطان که تاکنون این ننگ را بر خود روا نداشته و هرندبیر که مامورین دولت همسایه پیش آمده ازیش نبردند و نتوانستند او را مطیع خود نمایند، این است که مضروب واقع شده و درصدد بهانه و گرفتاری مشارالیه می باشند، امروز اگر بیده انصاف نظر شود بلوچستان رسماً از خاک ایران محسوب نمی شود قط اسمی از حاکمیت ایران روی بلوچستان میباشد، رسمیت با دیگران است، اگرزودتری ممالجه و جلوگیری نشود حتماً مانند محرمین این اسم نیز بر داشته خواهد شد عقیده نگارنده ایست که هرگاه اولیای امور عور فرموده بلوچستان را از انواب حمی کرمان مجزا داشته ولایت قرار دهند و یک نفر حاکم وطن خواه تام دانا با اجزاء لازمه از طهران مامور بلوچستان نموده بدر جاه بهار را مرکز حکومت بلوچستان قرار داده و بدوا سردار سعید خان را نیز با مواجب مصدرکار قرار دهند و ازخود بلوچستان بقدر کفایت لشکر گرفته تعلیم دهند و حفظ حدود خود نمایند شاید بتوانند حاکمیت بلوچستان را محفوظ دارند، و الا اگرچندی دیگر باینذوال باشد و فکر علاج فوری نه نمایند قاعده بلوچستان را باید خواهد بموجب خط وارده از کرمان عدال السلطنه سردار نصیره از کرمان بهزم بلوچستان از جانب ایالت کرمان حرکت نموده امیدوارم سالماً بمحل مقصود رسیده باشند، شاید قسمی اقدام نموده که اهالی بلوچستان بدانند هنوز دولت ایران باقی است و سر برستی دارد و خود را یک دفعه اسیر دست همسایه ندانند، از اقدامات وطن خواهانه جناب معظم له امیدواری داریم که نظم آن صفحات را فراهم آورد

تذکره حاجی میرزا محمد تقی
(شیرازی از سامره به محرم)

(بصره) حاجی الاسلام السید ناصر دام ظلّه
من فضلہ برسلہ محرم ما جلا الی حضرت نصرۃ الدین
حاجی نصر المسلمین من السلطه السردار الارفع دام توفیقہ
واقبالہ (اما بعد) السلام علیکم فقد بلغنا طمع
الانگیز فی دخول ایران احتجاجاً بامتشاشہ و فی
دخولہم انطاس آثار الدین و اذلال المسلمین بل واجب
علی کل مسلم حفظ حوزة الاسلام من کیدہم و مع
انتظام ناحیتک و امنیتہا مامل فی غیرتک الدینیہ و
مصرفک المواقب بل الواجب علیک بذل الجهد بحسن
تدبیرک و حدادرایک عموم الامل دوام حبت تنفیذ
کلتک عندالمشارب المتحاه معک قطعاً لم یطمع الانگیز
حذرا من العار والذل الی ذوی الباس والنجد باستجلالہم
وقد اهلك الله قوة وندیرا وجعلک من اجل حصون
الاسلام المنبہ انشاء الله (الاحقر محمد تقی شیرازی)

جواب سردار ارفیه سامره

حضرت حجة الاسلام . مورد الحواس والعمام
مولانا الشیخ میرزا محمد تقی شیرازی دام ظلّه
تبلغنا امر حضرت مولانا ابتداء الحراسان دام
ظلّه ما امرتہم فرض دمتنا و فقنا الله لحظ بیضه
الاسلام و خدمه الشرع الانور و امتشال او امر کا
و نحن قدر الامکان باذین الجهد والجهد بحول الله
تمالی و برکات دما نکمال رجو کا امداد الدماء
(خزعل)

تذکره مقام منبع ریاست

(روحی اسلام بهمدان)

همدان . توسط جناب مستطاب علم الاعلام قدومه
الانام رکن الاسلام آقای حاجی شیخ محمد باقر
مجتهد دامت برکاته جنابان مستطابان آقایان عظام
و ارکان اسلام اتحادیه علماء اعلام همدان ایدم الله
تمالا لنصرۃ الدین بشارت اتحاد و اتساق کله ان
خوات محترمه بر حفظ اساس دیانت و استقلال
مملکت اسلامی و حسن مراقبت در اصلاح مقاد
ادارات و رفع مواد فقرت و تفرق کلمه ملیه و
توضیح اساس قویم مشروطیت بر دعائم دینیہ زهی
موجب مسرت و اطمینان و امید است که بعون الله
تمالی و حسن ناپیده تا فرصت باقی و موقع از

بنایه مسلمین باتفاق حقیقی و اتحاد قلبی بر این
مواد که موجب نجات از مهالک و حافظ اساس
دیانت اسلامیست و استقلال مملکت است موفق و
ایادی امادی خارجیہ و داخلیہ را ببرکت همین
اتحاد حقیقی کوتاه و مقطوع الرجا. خواهند فرود
انشاء الله تعالی ثبنا الله تعالی جیما بالقول الثابت
فی الحیوة الدنیا و فی الاخره انشاء الله تعالی .

(الاحقر محمد کاظم الحراسانی)

عباسی

در خود شهر امنیت حاصل توابع قطع امنیت
شده، میگویند انرار ورنخی که خود را بسته به سید
میدانند از توابع عباسی مال و دواب رعایای بچاره
را بشارت می برند که تاکنون ۴ فقره دواب بشارت
رفته تفنگچی عقب نموده و نویسنده امت مکر یک
فقره که از میناب تفنگچی حرکت نموده و ۷۰ راس
الاع از دست سارقین گرفته اند که اکنون در
میناب حاضر و صاحب مال را خواسته اند که تسلیم نماید
لار - بموجب خطوط وارده سردار عشایر
در جاه کاظم سر احتیام خود شان تشریف داشته
و ۲ فقره سر کرده با ۶ فقره سوار روانه نموده ،
خطوط باسم هرکس داشته اند بموجب ذیل جناب
حاجی سید عبدالحسین مجتهد لار سید حاجی بابا نجار
لاری میرزا علی محمد خان جراحی سولت الملائک بستکی
محمد باقر خان اشکنانی خواجه زینل کلانتر اوز
از جمله خطوط لار و جراحی و اوز خود فرستاده
و سایدما و خط بستک بتوسط کلانتر اوز فرستاده
شده و خط اشکنان بتوسط محمد جگر خان جراحی
سواد خطی سکه بکلانتر اوز نوشته بموجب ذیل
است ، مقرب الحضرت خواجه زینل کلانتر اوز
مخصوصاً مقرب الحضرت حاجی کلانتر را باصفحت
فرستاده و تملیبات لازمه بمشارایه داده شده شہار
مستحضر میدارد والیہ شہار هیدج وجه در خدمت
گذاری خود کوتاهی نخواهد کرد (صحیح مهر
سردار عشایر) بسابرن نیز باین مضامین نوشته و
اظهار حاجی کلانتر هم این بوده که حکومت و نظم
لارستان عہدہ آقای سردار عشایر است و خودش
مازم لار خواهد شد اهالی نیز اظهار مسرت و

← تنگه →

از قرار خبریکه از (گوبندی) و (کله دار) رسیده اردویی سردار عشیار بدانجا رسیده اند. کله دار پس از زد و خوردی تمسکین نموده که مالیات پردازد و اردوش از (کله دار) تیره کرده و بجهت غلامحسین خان وراوی حرکت داده. زد و خوردی شده و برادر غلامحسین خان کشته و قلعه او را کویده گویا خودش دستگیر شده باشد.

دیگر شهرت دارد که شیخ بوضی بیرق دولت ایران بلند نموده و دیگر شهرت دارد که تمام عمال بیرق دولت عثمانی را بلند کرده اند، و دولت عثمانی یک چهار جنکی خواهد فرستاده صحت و کذب هنوز درست معلوم نیست.

در خصوص (جزیره بن موسی و جزیره سری و جزیره باسیدو) آخر گفته ها اثر کرد و حکم از طهران بکمرک رسیده که تحقیقات نمایند در جزیره باسیدو که اسکایسها چه تعمیرات کرده اند. غیر از انبار زغال نباید بسازند. و در جزیره سری که بیرق آب افتاده بلند نماید و مأمور بگذارند. حم-ار خراسان همین دو سه روزه خواهد رفت.

و اما کار گذاری تنگه خیل مضحک است، امروز در مقابل قونسول انگلیس باید شخصی قابل حدیث باشد و همه روزه حرکات آنها را ملاحظه نماید و راپورت دهد. یک نفر جهرمی ماهی سه چهار تومان داده که تذکره نمیتواند بنویسد و تکلیف خود را بپاره نمیداند یعنی هرگز نکرده است خداوند اصناف با ایرانیان دهد.

← بوشهر →

این ایام چون اشرا می دیدند پیشرفتی از اداره نظمی که واقعاً رئیس و معاون او جوانان با حرارت شرف جوتی هستند حاصل خواهد شد و این پیشرفت هم خیلی خساره و ضررش برگرد مدخول آنها بر میخورد و دست آنها از هرگونه تجاوزات استقلال شکنانه و تطاول و عرض و نوامیس بندگان کوتاه است. نصیب دامن قنات حکم بسته مخصوصاً همین دو سه دوزه برای آنکه

روضه خوانیهای فوق العاده تا ساعت هفت و هشت از شب برپا استش عزرا داری خامس آل هبا گذاشته، ولی در باطن برای بدست آوردن بهانه از اجزاء اداره نظمی است که شاید بهر وسیله است رئیس را مومن سازند بولها در این راه بمصرف و... ایده اند اگر چه حق هم دارند شهریکه دارایی هیچگونه ادارات نیست این یک اداره چرا باشد -

و دیگر آنکه امروز بر حسب خواهش جناب بصام السلطنه و اجازه کمرک زایر عبدالله خان رئیس تفنگچیان برای اداره کردن کمرکات تنگستان حرکت کرد. میگویند شایده کارهای کمرکات تنگستان از روی صحت نیست ولی عقیده رئیس کمرکات آنها صحت آنهاست و گرنه اداره ککان و مردم آن ساحات ککانند (ایضاً)

کلام وقتی مؤثر و مورد قبول واقع میشود که از شایه دروغ و افتاء و غرض رانی و مسخری دور و بعلاوه صداقت محلیه ادب و کمال ملامت و خلوص بت منجلی و مزین بوده باشد و وظیفه عموم نگارندگان بخصوص وقایع نگار محلی است که بیفرضه حوادث محلی را صادقانه برای تبه و تیغ ملت و جلوگیری از فساد تبلیغ نموده از نشر اراجیف و مسوغات بی اصل احتراز کلی کنند تا آنکه جریده که واسطه ابلاغ و محل و نوق عموم است از وصمت عیب و نهمت و ریب محفوظ و مصون ماند و گرنه تشبیر استعداد بازده هزار تفنگچی یک نفر مقصر یابی مانند زایر خضر برای جلوگیری از خارجه و چوب خوردن باقر خان آتشکوی برای بریدن درخت و غیره از اکاذیب غیر واقع و نبت آنها در متون جراید باعث سوءطن بسیار حقایق و تضییع جراید خواهد شد جعل بعضی اکاذیب و نوشتن برخی عبارات مستهجن و الفاظ مسخری مانند شماره کردن امواج دریا علاوه بر اینکه هیچ فایده نداشته و ندارد مورت انزجار قلوب خواهد گردید. بعد از اینکه امساله در ماه رمضان دریا بیکی به تهریک شیخ حسین چاه کوتاهی حله بر زایر خضر که در آنوقت بجهت صولت الدوله مستظفر

(جبل المتین)

در این دو سال اخیر آنچه فتنه و فساد در حوالی بوشهر واقع شده منشأ و علت آن زایر خضر و شیخ حسین بوده اند، وقایع سینه و حرکات وحشیانه ایشان در نمرات این سنوات اخیر مکرر ثبت و اشاعت یافته است گاهی بام اتفاق نموده شرکت قاجاقی و کبابی اساجه تشکیل میدهند، زمان خانه حیدر خان تنگستان را تصرف میشوند، چون راه مکاری و قوافل ماحدی برگشت بام نفاق ورزیده خانه رعیت بچاره را خراب و باعث قتل نفوس رعایای بدبخت میشوند، این شاخه های نته و فساد پرورش یافته شجره استبداد دریایی حکمران بنادر است، چنانچه گاهی با هر دو خوب و زمانی با این و وقتی طرفدار آن است، سال گذشته معارفت شیخ حسین بر زایر خضر ناختم گرفت اکنون بعیت زایر خضر میخواهد شیخ حسین را متاصل نماید، از انوار دریایی این معالاب بیدبست ولی نظر عمده متوجه ایالت فارس است که چرا باید از نقطه سیاست دور افتند چه با وجود امکان از گرفتاری زایر خضر و علی دلواری قطع نظر نباید بشود و همچنین فتنه جوانان مانند شیخ حسین را باید گوشمال داد تا دیگر اشرار و سباع دست از چپاول و غارت رعایا و مکاری بردارند، مادامی که این شاخ خبیثه و پرورش دهنده آنها در این نواحی نابت و رباست اوایام امور باید چشم از امنیت و حصول مالیات و آسایش رعایا بپوشند

تذکره تکرافات راجع به ایران

(۱۳ ع ۱ - ۱۵ مارچ)

§ (مسترمکان رود) معارن وزارت خارجه در جواب (مستر اویجوود) که یکی از بعموین پارلمان انگلستان است اظهار داشت که بموجب راپورت نمایندگانی دولت انگلیس مقیم ارباب در تمام سال ۱۹۱۰ میلادی، بلوچستان ایران کاملاً نا امن و منقلب بوده با اینکه قونسل سیدنان و کرمان و بلتکل ایجنس جفائی مکرر آنها را تهدید نموده باز هم سرداران بلوچی بار بار بخاک کرمان حمله بردند، سفیر ما مقیم طهران اطلاع داده که اگرچه کرمان و بلوچستان ایران منشوش است ولی امید میرود که با از ورود حکومت جدید امنیت برقرار آید

(۱۹ ع ۱ - ۲۱ مارچ)

§ در پارلمان انگلستان حسین یتس شدن حساب (مستر پکرسکل) مسئله ایران را موضوع بحث

کوتاه از شدت نظم و صدمه که بر آنها وارد می آمد و هم بواسطه آنکه شیخ حسین برادر خود را بطور وحشیانه کشت مانده و طایا از حالت بیعت و کثرت تعدی وی بستوه آمده باعداد و معارفت احمد خان اسکالی و زایر خضر شیخ حسین را مخدول و معزول و برادرش شیخ محمد را بجای او انتخاب کردند، شیخ حسین ابواب چاره را بر خود مسدود دیده بخود زایر خضر بناخته شد و فقط به صد خدائی قریه احمدی و چند ده دیگر قناعت نمود... هنگام ورود ایالت فارس که اراده به تخلیه اهرام از زایر خضر نایق گرفت شیخ حسین بملاحظه عداوت با زایر خضر خدمات نمایان و جانفشانی نمایان تقدیم نمود خواست که بخواهد از برادرش که بجای وی مدتی نده اسقام بکشد و رعایا را گوشمالی دهد چنانچه در شماره ۲۳ بدین مطلب اشاره رفته رعایای جاه کوتاه به دریایی مانعی شدند او نیز از حضرت ایالت شفاعت نموده مقبول افتاد، این حرکات شیخ حسین باعث شد که حکومت بنادر وجود و برادرش در قلمرو خود مضر تصور نموده با اشارات سری شیخ محمد و احمد خان اسکالی را مأمور به تخلیه احمدی و اخراج شیخ حسین نمود، ایشان نیز این مقصد را فرزند عظیم دانسته اولاً قریه حسن بیگی را گرفته بعد قریه دوبره را تصرف کردند، از برج دوبره از طرف شیخ حسین بر ایشان شلیک شد، شیخ محمد برادر شیخ حسین و حسین خان رودخانه و دو نفر دیگر مقتول و چند نفر زخمی گردیدند، شب گذشته برای تخلیه احمدی از طرف بوشهر از راه شیف توب و توبی فرستادند، عجب میدان بازی باز گردیده در این میدان بر گرد و عبار هر که هر چه بخواند خود سرآمد باعراض شخصی جولان میزند مانع و زاجری درکار نیست، مسئولین در دنبال نمی باشد، اگر احیاناً برستی شود هزار پیرایه دروغ و امتر بر آن خواهند بست، با این حال میخواهیم ادعای مشروطیت نسائیم میخواهیم قشون روس را از وطن برابیم، هیات هیات ما این افعال این خیالات فرسنگها دور است و پیوسته آشوب و اعتشاش خود آورد یعنی حکام آورد زیاده بر پناه خارجه افزوده خواهد شد مافلاً در اطراف احمدی جنگ شدید رباست و احتمال دارد که ان جنگ دوام کرده عاقبت به تنگستان و جاهای دیگر نیز سرایت نماید.

قرار داد، (مستر مکان وود) معاون وزیر خارجه در جواب اظهار داشت که این خبر مقرون بصحت نیست که دولت انگلیس اضافه ده فیصد گمرکات را بدین شرط قبول می نمود که دولت ایران افسران انگلیسی را برای انتظامات ژاندرامی قبول نماید بلکه دولت انگلیس بدین شرط اضافه گمرک را قبول نکرد که صرف انتظام راه جنوب شود، دولت انگلیس فقط عقیده خود را بدولت ایران پیش نموده بود که افسرهای انگلیسی برای انجام این خدمت نیکو و مناسب اند و برای استخدام افسران انگلیسی هیچگونه فشاری بدولت ایران داده نشد، اولین خواهش ما اینست که دولت ایران خود امنیت مملکت خویش را قائم دارد، مقصد اصلی ما بر فراری آزادی و استقلال ایران است، هنوز نمیتوان گفت که امنیت طرق جنوب تشنی بخش است ولی با صبر امید آن میرود که دولت ایران از عهده انتظام بر آید و تاجیدی دیگر ایران قابلیت خود را در حفظ امن مملکت خویش ظاهر تواند ساخت.

§ (مستر دیلن) خواهش نمود کاعذاتی که دولت انگلیس بدعوی حفاظت (کویت) دارد به پارلمان پیش نماید (سر ادوردگری) اظهار داشت که روابط تجارتی ما با (کویت) از زمان قدیم است در سال ۱۸۹۹ عهدنامه هم با شیخ کویت شده ولی امروز نمی تواند مراسلات را پیش کند فقط همین قدر میگوید که دولت انگلیس در حفظ آزادی (کویت) ساهی بوده و هست و در خصوص روابط دولت انگلیس با شیخ کویت با دولت عثمانی هم مکاتبه شده بواسطه این مراسلات پیش نمودن کاندات به پارلمان مشکل گردیده است، یکی از وکلاء پوسش نمود آیا وزیر خارجه دعوی حفاظت کویت را می باید (سر ادوردگری) جواب داد نه

در مجلس اعیان انگلیس دیشب (لورد کرزن) در خصوص بالکات آغاز به بحث و رشته کلام را به ایران کشیده اظهار داشت که بزرگترین دوست استقلال و آزادی ایران دولت انگلیس است، ولی او میخواهد از واقعات جنوبی ایران مطلع شود که آیا امید آن هست که یاد داشتی که بدولت ایران پیش شده موقع اقدام در جواه

آب پیش نیاید؟ از آن بعد کلام را بطرف ناصر الملک رجوع داده اظهار داشت که معظم له یکی از دوستان شخصی و همدرسان اوست خیلی محب وطن و بیدار و قابل است، و امید ظاهر نمود که دولت انگلیس نایب السلطنه را در پیشرفت مقاصد طایفه تأیید نماید، چه عموم را خواهش اینست که استقلال ایران قائم و مشروطیت آب برقرار ماند

دسته جهازاتی که در سواحل شرق هند مشغول کشف اسلحه قاچاق و این تجارت ناجایزند خیلی قابل تمجید است ولی هنوز کمی یلیق از عهده خدمات خود بریامده، جهازات تدررو و کم همق لازم است، معاهده فرانسه با مسقط سبب از زیاد زحمت ما درین موضوع گردیده است امید است که دولت فرانسه بطریق انصاف و اتحاد با دولت انگلیس رفتار نموده این تجارت را موقوف سازد

در موضوع راه آهن بغداد اظهار داشت که بعقیده من از اینکه کپانی آلمان دست از تسیر راه آهن تا خلیج کشیده خیلی سهولت پیش آمده است، باید دانست در این خط راه آهن تجارت انگلیس فوق بر سائرین دارد، ما راست که ننگذاریم حقوق مان را زبانی وارد آید، بعضی تعویقات کپانی را از امتیازنامه باید دفع داد، دولت انگلیس راست تا وقتیکه درین موضوع تدارک صحیح نه بصد اضافه گمرکات را تسلیم نماید -

این نکته را باید دانست که تجارت وسط و شمالی ایران که اینک از طریق جنوب می شود پس از آنیکه راه آهن خاقین ملحق به راه آهن طهران شد تبدیل خواهد یافت، و این مسئله زیات بزرگی را به تجارت انگلیس تهدید مینماید و امید ظاهر نموده است که دولت ایران هررمانی را که بخواهی دولت دیگر در شمال منظور نماید برای انگلیس هم در جنوب منظور دارد، اعتراض پلنکی ما فقط منحصر بخلیج نیست و تا بغداد امتداد است لذا در خانه راه آهن بغداد ما را اختیارات نامه لازم گردیده است

در مسئله کویت اظهار داشت که عهدنامه را من در زمان نایب السلطنگی خودم بسته ام، اقتداراتی که ما فعلاً در کویت داریم برقرارش اشد ضرورت

است، و امید نموده است که دولت ازین منافع عمده بهیچ وجه دست بردار نگردد.

➤ جواب لارڈ مورلی ➤

لارڈ مورلی در جواب اظهار داشت که درباره راه آهن ایران امروزه بحث کردن قبل از وقت است، در ساز بیانات لارڈ کرزن منباب ابراش اتفاق داریم، و ما را امید واری کامل بشخص نائب السلطنه ایران میباشد، چنانچه معظم له خود را اولین مدبر ظاهر نموده است، خیالات عالیہ نائب السلطنه و مسلک مستقیم ایشان نوعی ظاہر شده که خیلی تشفی بخش میباشد.

در خصوص امنیت جنوب ممکن نیست که بتوان حکم نمود اقداماتی که در ماه نومبر شده اثرات کانیہ بخشیده باشد، ممکن است که اثراتی بخشیده، شک نیست که در امنیت جنوب ترقی حاصل شده ولی می توان گفت این ترقی از اثر بروت هواست یا از اقدامات دولت ایران، دولت انگلیس در تعمیر راه آهن ایران هیچگاه از اغراض تجارتی و پلنکی غافل نخواهد ماند، ولی هرگاه در تعمیر راه آهن جنوب شرکتی تشی بخش تشکیل یابد دولت انگلیس مسئله اولویت خود را تقیب نخواهد نمود در مسئله خلیج دولت انگلیس با رای لارڈ لندون که در سال ۱۹۰۳ داده اتفاق دارد، در خصوص تجارت ناجائز اسلحه، جواب داد که دولت فرانسه نسبت به دولت دیگر اسلحه کمتر بخلیج فرستاده است و در حقیقت عنر اسلحه که به خلیج وارد شده از فرانسه نبوده است، و ما می توانیم فرانسه تکلیف کنیم که بدون معاوضه از حق معاوضه خود دست بردارد، فقط همین قدر میتوانیم برائس اطلاع و حمایتی که از معاوضه وی ما را پیش آمده است بدمیم، تدارکاتی که برای جلوگیری اسلحه شده مفید ظاهر گردیده چنانچه از سال ۱۹۰۸ کم و در ۱۹۱۰ این تجارت خیلی تخفیف یافته است.

در جواب مسئله راه آهن بغداد اظهار داشت که مشکلات زیاد برای دولت از سهویکه در سال ۱۹۰۳ از عدم شرکت انگلیس شده پیش آمده است، باید دانست که دولت عثمانی در خاک خود امتیاز تعمیر راه آهنی به یک کبابی خارجی داده، ما باید با کمال هوشیاری و سادگی در آت موضوع

داخل شویم و درصدد پیش نمودن نوشته جات راه آهن موصوف به پارلمان هستیم، ولی بهیچ وجه نمیتوان تسلیم نمود که دولت عثمانی وای زیانت انگلیس تدارکی خصوصاً در تصرفه کرکات نموده باشد.

تاکنون دولت انگلیس نیکوکار بیاب بمحفظ مقام تجارتی خود نمده، و اطمینان دارد که حقوق وی با آن سهوی که شده است باز هم محفوظ خواهد ماند، در صورت این امر مسلم است که دولت زیانت خود را تسلیم نخواهد کرد، بهر حال دولت انگلیس تعمیر راه آهن را در خاک عثمانی برای ترقی اصلاحات ملکی لازم می شمارد.

هرگاه شروطی در خصوص راه آهن بغداد تا خلیج بقسی پیش شود که غیر مناسب باشد نه تنها شیخ سکویت تأیید داده خواهد شد در مدعی که خانه این راه آهن بشود بلکه انکار از اضافه گمرکی خواهد نمود که بکفنه این مسئله را ناقص گذارد.

لارڈ مورلی در خصوص امتیاز نامه راه آهن بغداد صلاحیت نموده گفت که از مواد عهدنامه مذکور ظاهر میگردد که دولت عثمانی پس از مدتی از بای بندی باین امتیاز نامه آزاد خواهد گردید.

لارڈ مورلی عاقبت در خصوص حصه آخر راه آهن بغداد که منتهی بخلیج می شود اظهار داشت که مابغالی در این خصوص مخبرات نموده و ما کوشانیم که تصفیه این امر مرتفع سازد تشویشی را که در خصوص تجارت انگلیس دانگیر شده است، هر قرار دادی که در این خصوص بشود با مصای دولت آلمان خواهد بود، چون این مسئله هنوز زیر بحث است زیاده بر این تشریح نمیتواند داد، همین قدر اطمینان میدعد که در اسلامبول بطریق کامیابی این مسئله پیشرفت نموده است، لارڈ مورلی اقرار نموده که بعضی از نوشته جایکه درین موضوع شده به مجلس اعیان تقدیم خواهد نمود.

در پارلمان انگلستان لارڈ (رونالدنی) مسئله راه آهن بغداد را موضوع بحث قرار داده شکایت نمود که لارڈ مورلی در بیانات خود من باب راه آهن بغداد ملت را در تارویی گذارده و هیچ ظاہر نداشته که در تسلیم اضافه کرک و مسئله کویت چه امتیاز و معاوضه بدولت انگلیس داده خواهد شد.

§ مستر دیلن در امدادات روس و انگلیس منبای ایران شرح مبسوطی تقریباً نموده اظهار داشت که هفتین بالاساله دمه دارا ما امنی برانند چه دولت ایران را از حصول استقراض باز داشته که محل ترین امور برای آزادی ایران بشمار است، دولت انگلیس در ابتدایکه مشروطیت در طهران و اسلامبول قائم گردید بنظر اهالی موید و دوست دیده می شد ولی فعلاً در این دو مرکز ضد آن دیده می شود و از تمقیب مسلک انگلیس در طهران و اسلامبول اثر حوی در مصر نه محسوسه است

§ مستر (باسان بی) نیز همین راجه مسئله ایران را موضوع بحث قرار داد

§ سرادوردگری وزیر خارجه در جواب اظهار داشت که در مسئله راه آهن بغداد هیچ چیز را دولت انگلیس تسلیم نموده و کاعذانی که درین باب یافته در اداره وزارت خارجه مانده است، و نمی تواند در این موقع زیاده بر این بحث نماید، چه دولت عثمانی برخی تحریکات محرمانه نموده و سعی است که برای بحث در این موضوع کلاً مطلع را صاف دارد، هر امتیازی که در این راه آهن داده شود باید حقوق و آزادی تجارت انگلیس در کلیه شاخهای آن منظور شود

§ سرادوردگری نطق لارد تسدوزرا در خصوص مسئله خلیج که اظهار شده بود بر اینکه دولت باید در خلیج برای محافظه هندوستان دارای یک بندری باشد تکرار نموده گفت، هر قرار دادیکه با کپانی راه آهن شود ما باید این نکته را نگراش باشیم، و مرا عقیده این است که انجام این امر چنانچه ذکر شده ممکن نیست و من هیچ میدانم که راه آهن از روی یک فرار نامه تجارقی انجام خواهد گرفت و قبل از آنیکه ما اضافه کمرک را تسلیم نمایم این امر باید تصنیه شود

§ در مسئله ایران اظهار داشت که تا کنون مسئله امنیت جنوب خاتمه نه پذیرفته ولی پیش آمد اوضاع امیدواری میدهد، و دولت انگلیس تا کنون از خیالی که افسران ژاندرمی بدولت ایران قرض دهند باز نیامده و هیچ تصور می کند که قشون ایرانی تحت چنین افسران خیلی بحال امنیت نافع تواند بود، هرگاه دولت ایران خود خواستن نماید برای استخدام ایگونه افسرها دولت انگلیس کمال تأیید و همراهی را صریح خواهد داشت، این افسرها هرگاه طلب شوند در خدمت مسئول به اوامر دولت ایران خواهند بود، ما را ازین تحریک مقصودی

جز آزادی و استقلال ایران و امنیت جنوب مد نظر نبوده و نیست

دولت انگلیس هیچگاه بدولت ایران فشار نیآورده که این آفیسرها را بخدمت قبول نماید بلکه باصلاح یفی و خیرخواهی خواهش از دولت ایران شده بود و از قراریکه معلوم نموده حالا دولت ایران مصمم شده است که آفیسر از دول کوچک جلب نماید و هرگاه ما این اصول هم امنیت قائم کردد ما را هیچ گونه عذری نیست، ولی برماست که تا وقتیکه امنیت کامل در جنوب قائم نگردد تا یکید بدولت ایران بنایم، و هرگاه دولت ایران تحریک ما را قبول نکند و خود هم در امنیت جنوب سی نماید روز بروز اوضاع ایران خراب تر خواهد گردید و ثابت استقلال و آزادی ایران را مخاطرات دچار خواهد ساخت

سرادوردگری انکار نمود که دولتین روس و انگلیس منبای حصول قرضه ایران هیچگونه مانع نراش نموده اند - البته بدو قرضه که بایران از طرف دولتین پیش شد حاوی و شروط بلذیکی بود پس از آنیکه ایران اسکار از قبول آن نمود دولتین شروط بلذیکی را مرتفع داشتند - و من میتوانم اطمینان دهم که مساعده دولتین روس و انگلیس هیچگونه حلی با استقلال و آزادی ایران وارد نیساروده و تا درجه این معاهده مانع از مخاطرات داخلی و خارجی ایران هم گردیده است

منبای روس، اظهار داشت که او کاتب لکرده که قیام قشون روس سبب مخاطره ایران گردیده باشد بلکه عقیده او این بود که موقع ایران چنان مینمود که اخراج آنها مزید بر اغتشاشات داخلی تواند گردید، و بعد نبود که سبب مداخلت ثانوی باصول سخت تر گردد. و اظهار تعجب نمود که مستر (دیلن و باسان بی) از اخراج قشون روس از قزوین اظهاری نداشتند و حال اینکه این امر وقتن قشون روس از قزوین دوستی و همراهی روس را می نماید و دولت ایران هم اظهار خوشنودی ازین مساعدت نموده است، او یقین دارد که دولت ایران سعی و جاهد است که امنیت کامله در کلیه مملکت قائم نماید و تا وقتیکه ایران مساعی جبهه خود را در برقراری امنیت ظاهر دارد ما هم هیچگونه مایی در جلو پیشرفت مقاصد آن فراهم نخواهیم نمود و این امر در حقیقت بسته است به دانش وکلای مجلس که قوه خود را صرف مواد غیر مقتضیه نموده دولت خود را تقویت نمایند

(جیل المین کلکتہ)

(مدیکل کالج اسریت نمبر ۲)

HABIBUL MAJIN DEP
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA.

(کلیہ امور ادارہ با)

(مدیر کل مؤید الاسلام است)

(ہر دو شنبہ طبع)

(ہر دو شنبہ تریج میشود)

(ہر دو شنبہ)

(۱۰ ربیع الثانی ۱۳۲۹ ہجری)

◀ ولا حل اخذ ایروہ بدوہ قبض ندارد و وقتی کہ
(مدتی را قبض مخصوص سال ہجری ہر سال نہادہ)
(ذمہ خان ری شناختہ میشود)

▶ نامہ مقدسہ ▶

المبتدیان

▶ سنہ ۱۳۱۱ ▶

(قیمت اشتراک)

(سالانہ — شش ماہہ)

(ہند و برہمہ)

(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قرآن — ۲۰ قرآن)

(عثمانی و مصر)

(۳ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرنک — ۱۶ فرنک)

◀ نطق تحلیفہ واذ حضرت ناصر الملک ▶

(نائب السلطنہ در پارلمان)

مخصوصاً در خواست کرده ام کہ تشریفات
در ایندوقع نباشد رای اینکه بتوانم بعضی مطالب
را کہ لازم میدانم در اینجا بیان کنم. حالا در مجلس
شورای ملی با حضور نمایندگان محترم خطاب خود را
در حقیقت تمام هموطنان خود میکنم. اولاً از حسن
ظن و اعتماد و محبت خاصہ کہ از نمایندگان ملت
و تمام طبقات دارالخلافہ و ولایات بوسایل مختلفہ عن
اظہار شدہ از صمیم قلب تشکر کردہ سادت و
شوکت ملت را از خداوند خواستہ و برای خود در
ہر حال توفیق خدمت مثلث میدانم تا نسبتاً چون
امروز مملکت ما در تحت حکومت مشروطہ یعنی حکومت
ملی است کہ تمام ملت از مہمات امور مطلع میباشند
میخواهم مسائل واجہہ بہ نیابت سلطنت را توضیح
کنم و برای آنکہ سابقہ بدی در مملکت باقی نماند لازم
میدانم انجہ را در کیفیت انتخاب اینجانب مخاف
اصول عادات معمولہ ممالک مشروطہ جاری شدہ
باطلاع عموم رسانم. اولاً بدیہی است کہ در این
امر نظر مقتضیات حال و صلاح مملکت قبل از وقت
مذاکرات لازم بود و از قرار معلوم این مذاکرات
بمعل نیامدہ و عجیب شدہ. نایباً از آن شخصی کہ
برای انتقام در نظر گرفته میشود باید قبل از
انتخاب استعمال شود کہ آیا میتواند قبول نماید و
در چہ صورتی برای او قبول این وظیفہ امکان
پذیرفتہ. چنانچہ بر مہ نمایندگان محترم معلوم است
در افتتاح مجلس سابق تمام نمایندگان نیابت سلطنت را
بمن تکلیف کردند و من با دلایل قویہ امتناع نمودم
چون دلایل موجه بود متقاعدی شدند. این دفعہ با
اینکہ مسبوق بان سابق بودند باز بدون استعمال
مرا با انتقام انتخاب کردند. ثالثاً معلوم است کہ نیابت
سلطنت نباید مستثنیہ متنازع فیہ ما بین پارتی های

و باید ہر احزاب بی طرفی او را محترم بشمارند.
ببارة اخری انتخاب نیابت سلطنت از نقطہ نظر
پارتی نباید باشد و حال آنکہ بر خلاف ابقاعدہ
و رفتار شدہ پارتی ہم بر ضد یکدیگر ایستادہ رای
دادمند. رابعاً یکی از حیثیات نیابت سلطنت ریاست
قوہ اجرائیہ است و در انتخاب او اگر قوہ مجریہ
یا مجلس شورای ملی مشارکت نمیکند لافل مخالفت
ایز نباید بکنند. این نکتہ ہم مثل سایر نکات تماماً
بر خلاف واقع شدہ یک نکتہ مضوی ہم در اجاست
و باید ملتنت بود کہ نیابت سلطنت وقت کہ بہ
اکثریت قلیل انتخاب شود در انظار اہمیت انجام را
کم میکنند و در اینجا بواسطہ آنکہ قانون مخصوص
ترتیب اکتساب نیابت سلطنت وضع نشد فقط با
قانون معمول عمل شدہ ولی باید دانست کہ در این
مسئلہ مہم اکتفا بصورت ظاہر در آئیہ ادا کافی
و صلاح نخواہد بود و باید قانونی برای استحکام
نظائر اینواقع در آئیہ وضع شود بعد از آنکہ
تکگراف انتخاب در خارجہ بمن رسید و از کیفیت
مطلع شدم چنانچہ طبیعی است حیرت بزرگی بمن
دست داد. زیرا کہ از آنجا دعوت مجلس شورای
ملی و دعوت ملت را بدون توضیحات رد کردن
البتہ جایز نبودہ تا کربر برای توضیح آن مطالب
تکگرافهای مشروحہ عدیدہ نمودہ خواہنم کردم
کہ جمعی از رؤسای احزاب چہ از داخل و چہ از
خارج مجلس منتقد کردہ در این نکات بوجہ ما
ملاحظہ صلاح مملکت و صلاحیت سابقہ کہ در
اینوقع گذاشتہ میشود تجدید نظر نمایند. باین تکگرافها
ہم ابدأ جواب کافی نرسیدہ. عجب اینکه در جمعی کہ
تمام نمایندگان محترم حضور داشتند این مطلب را
بیان کردہ اغلب اظہار بی اطلاعی از وصول این
تکگراف میکردند. بالاخرہ مجبور شدہ تکگراف کردم
کہ چون توضیح این مطالب بوسیلہ تکگراف ممکن

برای اینکه نسبت قصوری من داده نشود مصمم آمدن شده و مذاکره ابطال را خصوصاً خواهم کرد. مشروط بر اینکه بعد از مذاکرات و ملاحظات و مصالح مملکت در دو قبول اتمام مختار و آزاد باشم. باین تلگراف هم جواب کافی نرسیده، لذا ما حیرت تمام عازم شدم و در این راه چه در ایران و چه در حرج ایران روز اجتهات خارجه نسبت ترس و تردید من داده تیسرات مختلفه هم آوردند. مراسلات تهدیدیه هم بطوریکه همه میدادند در فریک من میرسید. ولی علت تاخیر در آمدن من نه تردید بود نه ترس، بلکه امتداد این مذاکرات و حیرت و سپدن جواب کافی اسباب تاخیر حرکت مرا فراهم میداشت، و مارحود آنکه اسم من باعقام ماورد شده بود از هیئت وزراء یک جواب صریح سوالات تلگرام داده میشد. هرچند اظهار مساعدت و محبت تمام وزرای عظام و بایندگان گرام و تلگرافی که با مصای تمام بایندگان در اینجا من رسید و دوستی نایبی که همه وقت حاصل بوده حیران آن تصور را کاملاً نسبت بشخص من نوده. ولی نسبت بمصالح مملکت شک نیست بطور ساقه مصره باید از دفتر مشروحهت محو شده. بعد از ورود ما بحا هم باوجود اینکه در محمی که تمام بایندگان محترم شرف حضور داشته بیانات را نموده ام، بدو محتامه در تدقیق فسارت مذکوره بجهل اقدام شده علاوه آنکه استفساری وزراء سابق را قبول نکرده بوده از کار کنار نموده. مرا از روز ورود دچار اشکال بزورگ حیران قائم و ررا کردند و رای من که این مذاکرات سباب مول بحیران و اختلال امور مملکت نشود لابد بدون انتظار مذاکرات امروز در اینجا برای ادای مراسم قانون حاضر شده ام.

مسئله مهم دیگر که باید یاد کنیم این است چون من بزم اهالی چه در طهران چه در ولایات اتمام تمام امور مملکت را ازشخص من انتظار دارند علاوه بر اینکه انتظارات آنها دلیل و موقفی ندارد صحف باقانون اساسی هم هست که اختیاری سلطنت داده است. لازم می دانم این شبهه را رد نماید. البته اگر سکوت کم نسبت افعال من داد، خود عد شد و بعد از آن اگر خدای نکرده انتظارات آنها حاصل نشود تصور خواهند کرد در مصالح مملکت از صرف من محبت شده. و حال آنکه مصالح را قانون من فرموده. حالا که برای مراسم قانون حاضر شده ام لازم است اول بدانم که چه انتصار از من است و ثانیاً عرض میکنم که من چه انتصاری از شما دارم تا شبهه رای احدی باقی بماند. اما انتظاری که از من است گویا بدلیل قوانین اساسی برای اجتناب

کافی باشد، نمایندگان محترم بهتر از من میدانند و این توضیح فقط برای اطلاع عموم ملت است. بمرجب اصل ۱۶ وضع قوانین مملکت حق مجلس شورای ملی یا مجلس است معلوم است قوانین تقریباً باین قواعدی که روابط افراد ملت را باینکه بیکدیگر و مناسبات آنها را با هیئت دولت مقرر میدارد، موافق اصل ۳۹ قوانین که از مجلس گذشته باید با مصای سلطنت و باجراه برسد یعنی سلطنت حق توقیف یا رد آنها داده نشده است، مطابق اصل ۴۴ وزراء مسؤول مجلس هستند، بموجب اصل ۶۸ وزراء باطهار عدم اعتماد مجلس حتماً موزول میشود. این اصول را که در نظر بگیریم خواهیم دید که هر چند بر حسب ظاهر تئیدن رئیس الوزراء از حقوق سلطنت است ولی نظر باینکه مسؤولیت وزراء بمجلس است و با عدم اعتماد اکثریت موزول میشود رای احتراز از عدم اعتماد مجلس و احتراز از ظهور بحراهای متواتر که اسباب اختلال امور مملکت میشود، در تمام ممالک مشروطه از رسومات و عادات جاریه است که سلطنت مشروطه قلباً نظر اکثریت مجلس را در اعتماد رئیس الوزراء بتوسط رئیس مجلس استنباط نموده بعد از تحصیل اطمینان آنها او را معین و معرفی میباید. اختیار انتخاب وزراء دیگر نیز بمسؤولیت خاص رئیس الوزراء است که هر کس را با خود موافق و متحد المصلک بداند معرفی نماید.

پس از این استدلالات قانون اساسی بخوبی واضح میشود که قوه مقننه و قوه مجریه که هم قدرت مملکت را تشکیل میدهند هر دو از اختیارات سلطنت خارجند. قوه قضائیه هم که بطریق اولی مشروط سلطنت نیست بنا بر این تمام اختیارات مسؤولیت امور مملکتی متناً و صورتاً بمجلس شورای ملی یا مجلس و هیئت وزراء است. فقط آنچه برای سلطنت باقی می ماند اظهار رای دولتیات مصالح مملکت است آنها نه بطور حکم بلکه بطور صلاح ادیبی. و هیئت وزراء بموجب مسؤولیتی که بمجلس دارند در رد و قبول آن مختارند.

از طرف دیگر چون بیانات سلطنت نسبت به احزاب سیاسی بکلی بی طرف بوده باین قاعده مسلم است که اظهار رای نیز وقتی برای سلطنت مبسر است که ضدیت و خصمق مابین احزاب موجود باشد در ادای این وظیفه نیز باز خواهد ماند که مبادا در عقیده خود با احدی طرفیتی حاصل نماید. بنا بر این حاجت بیانات بیست همانطور که مسؤولیت برای سلطنت اخذ و اختیاری هم قانون اساسی باو داده من هم که قوانین اساسی را فوق العاده محترم می شمارم. مقصود از این بیانات اعراض و تحصیل مزید اختیار نیست. فریضاً

اگر مجلس شورای ملی در موقف مزید اختیار دولت را لازم بداند و البته این قبل مواقع در پیش است باید آن اختیار را بهیئت وزراء بدهند که مسؤول مجلس هستند ، بعد از این مقدمات پوشیده نخواهد ماند. عبارات قسم نامه که در قانون اساسی مندرج است با عدم اختیاری که برای سلطنت ثابت شد موافقت نمی کننده کسی که ملتفت این نکات باشد البته عبارات قسم نامه را با این نیت بر زبان جاری مینماید که شخصاً بطوریکه بر تمام افراد ملت فرض است بقدر وسع و طاقت خود در مدلول آن جدوجهد نماید. و با همین نیت است که این قسم را بزبان جاری خواهم نمود، و در مراحل با تمام قوای خود در راه خدمات وطن و دولت و ملت و تقویت اساس مشروطیت کوشش خواهم داشت، و اینکه بعضی عبارات قسم نامه با عدم اختیار سلطنت مناسب نیت محل اعتراض نخواهد بود زیرا که هیچ قانون را جز قوانین آسمانی ولو لازم الامناعه باشد بدون نقص نمی توان تصور نمود، دلیل این تمام مجلس شورای ملی است که وظیفه آن به تمام وضع قوانین جدید بلکه تکمیل قوانین هم هست

اما انتقادات من از این قرار است در صورتیکه معلوم است تمام اختیار و مسؤلیت امور مملکت منماً و سـ و رناً مجلس و وزراء در حال حالیه مملکت هسته بر همه کس معلوم است و حاجت باشداد نیست متوقم مجلس شورای ملی و هیئت وزراء فقط نظر خود را بمصالح حالیه مملکت دوخته یا جدوجهد فوق العاده و همی بلند با موافقت و معاضدت خالصه حقیقی در اصلاح امور بکوشند، و لازم است این فقره را خاطر نشان کنم که اگر پس از استقرار مشروطه نای باندیشی مانع تاکنون بقدر انحصار و از حسن نیت در آسایش و شادمانی قلوب تبعه شایان از زحمات همی حاصل نشده بواسطه اختلافات و تضاد هائ بود است که بین احزاب و اشخاص بوده است که آنهم بر احدی پوشیده نیست، امیدوارم چنانکه خورشبهختاه علامات آن روز بروز واضح و آشکار میشود از این به بعد برخلاف ما سبق این اختلافات میل وفاق و معاضدت برادرانه شود و امور صورت اصلاح پذیرفته و در حصول مقاصد ملت عاتی باقی نماید. و افراد ملت از نعمت آسایش و سعادت و ترقیان که برای ملل متقدمه در تحت حکومت مشروطه بهمین آزادی حقیقی حاصل است بهره مند شوند.

اما انتظار از سایر طبقات - اول از اشخاصیکه میتوانند مصدور خدمات دولتی شوند از کار کناره جوئی میکنند چنانکه بر همه کس معلوم

است قبل از زمان مشروطیت اشخاص با شوق تمام برایش تحصیل مشاغل دولتی و اعتبارت جوی بودند که حالا از قبول خدمت امراض مینهند ، اول اینکه امروز مملکت بیشتر بخدمت ابتاه خود محتاج است و واقماً خدمت امروز در عالم السایه افتضار حقیقی دارد، اما انتظار من از افراد ملت آنست که باید بدانند مجلس مرکب از وکلاء است که خودشان انتخاب نموده و مجلس باید آئینه انکسار مناهر احتیاجات آنها باشد و هیئت دولت نیز از روی قوانین وضع میشود در تحت نظارت خود مجلس مقوی امور میگردد، نار این اصالت احکام دولت را باید با یک شف و انقیاد قلبی بر خود فرض دانند و اقلاً عمل هر کس بقدر قوه مقوی اجراء احکام دولت باشد و درست ماقت شوند که در سابق ملت اسیر حکومت بوده و حکام جبراً بر آنها جاری میشد ، و در مشروطه حکومت منصوب خود ملت است و باید ببلب خاطر موافق قانون مطیع احکام حکومت خود باشند و مخصوصاً کسانی که قولاً یا عملاً مانع اجرای اوامر دولت میشوند دشمن شاه هستند، اگر هم خاصی در مملکت پیدا شود باید بدید که امروز قوت دولت و ملت تمام ملت است و در مقابل آن مقاومت نمیتوان کرد.

و در آخر کلام خود اظهار میدارم که تمام امیدواری و قوت روحان من هم راهی و معاضدت همه شاه ما در اصلاح امور مملکت است و باین امید خود را دلخوش میدارم خلاف آنرا هم فرض نمیکنم، ولی برای اینکه حرفی گفته نشده نماید بجزوم که این نکته را هم بیان کنم، چنانکه دریاد داشت خود واضح بستم احزاب سیاسی بیان کرده ام و در مجلس قرائت شده، اگر خدایے نکرده از اختلافاتی که تاکنون صورت تضادت و دشمنی پیدا کرده بود مجدداً علامت ظاهر شود و بینم امور پیشرفت نمیکند خدا نکرده و رفع احتلال امور راه نیافته، بموجب همین قسم است که یاد خواهم کرد ضمیر من بلکه ضمیر هر صاحب وجدانی حکم و تصدیق خواهد نمود که نباید در این موقع نشسته شاهد همچه حال ناگواراری باشد، یقین است افراد ملت که صاحبان وجدان باک هستند این مطالب را تصدیق کرده در چنان موقی که امیدوارم بجتر نباید با من همراه و هم عقیده بوده و کناره جوئی من خورده نخواهند گرفت، زیرا که به تکلیف شرعی و عقل خود بصلاح مملکت عمل کرده ام و امیدوارم این همه نظر بحسایب امور من موجب اعتراض (بقیه این صفحه در صفحه ۲۴ همین شماره)

◀ فکر ساعه خبر من مباداة الف سنه ▶

(بقلم یکی از سیاسیون)

وقتی درست در اوضاع موجوده ایران تعمق شود و شخص در علت الطل داشتن کابینه، اغتشاش ولایات، بریشانی اهالی، تجری خارجه، توقف عساکر روس، و صدمات ولایات بی دربی با استقلال ایران کرده آید، معلوم و واضح میشود که همه از یک منبع آب میخورند و باعث مکنونه همه یک چیز است (بی فکری) ولی در ایران علت الطل را عدم اتحاد تصور کرده اند، و این ایام لفظ اتحاد تجدید شده هر روز نامه را شخص باز میکند و با هر کس صحبت آغاز، همه داستان عدم اتحاد است، ولی من باز بخلاف عامه میگویم همین صحبت هم از بی فکری است، اتحاد بالا تر از این میشود که تمام ملت جمعی را بوکالت انتخاب و آنها را صاحب اختیار مسکرده و فعال مایشاء ساخته اند، اتحاد بالا تر از این میشود که هر کابینه را یعنی دولتی را که مجلس معین میکند اگر چه بقول شیرازیها « از کتوگر بخته ما باشد » همه او را مطلع میخوانند، پس اگر وکلا قبل از هر باری تشکیل ندهند و قبل از فکر در لیاقت و فضایل و سوابق و لواحق اشخاص کابینه بهم نزنند، و کابینه لیاقت و علم و تجربه انجام امور مفوضه بخود را نداشت و بواسطه فقدان شرایط وزارت و مملکت داری اوضاع را بریشان تر و حال مردم را زارتر کرد و از اجرای قوانین عاجز آمد، خارجه هارا جری دول دوست را دشمن، و دشمن را دشمن تر کرد، و از استقلال مملکت کاست، و هرساعت که نکته گیری بر افعال و اقوال خود دید و شنید دلش شکست و بسجز فرو رفت و قهر کرد و استعفا داد و قادر بر دفاع خود نشد و کاری پیش نبرد، تعمیر اتحاد چیست ؟

مثل اتحاد طلی وکلا ووزراء امروز هاست مثل فوج کانی است سکه وای محافظت خود چند نفر سوار خواسته بودند، اگر مقصود از این فریاد اتحاد این است که در مملکت همه متحد الرأی و القول شوند و در رفع و ضرر یکدیگر تفاوتی نه بینند و از هیچ حلقوم نوای مخالفی نیاید و هیچ طغی اظهار شکوه والی ننماید و دزدان در صحرا

و نفیر بدست و یا انداخته خود را تسلیم نمایند، و مال داران اموالشان را نقد کرده تسلیم سازند تا اشکالی برای وکلا و وزراء پیش نیاید سکه مووث ملال خاطرشان شود، و یا اگر دشمنی خارجی در مقام تجاوز و تصرف مملکت آید تمام اهل ایران بکدفه سرباز برمشق آلمانی و با تفنگهای موزر مسلح و جان برکف حاضر شوند، و امیر نوبانها و تومانیهای طهران فی الفور نسخ شده هر یک ناپلیون و نادر و مراد و اوایما بشوند، و فلزات را زمین از میان خود بیرون بریزد، و مشدیهای دم اردکی طهران مهندس شده توپهای گروپ و مسلسل بریزند، بالونهای جنگی بسازند، و آنومیبل زره پوش تهیه کنند، و بدون اینکه آقابان وزراء و وکلا لب از بی قلبان بردارند یا از سیکارت ته طلا بکشند و کله بگویند مملکت منظم، دشمن مقهور و فراوی گردد؟ این انتظارات امری است محال.

(ای نور چشم من بجز از کشته ندروی)

امروز در متمدن ترین ممالک اوضاع رقابت و باری و نکته گیری و تضییع یکدیگر در نهایت درجه شایع است، و مردم برای راهزنی و ربودن کلاه یکدیگر و کشتن همدیگر و تعرض بال و عصمت یکدیگر حاضرند، فقط فرقی که در ممالک دیگر با ایران هست این است که وکلا در ممالک دیگر بعد از فکر باری تشکیل میدهند و بعد از فکر کابینه مرتب میسازند، و وقتی که دولتی یا پارلمانی میخواهد تشکیل کابینه نماید برمنزترین مجرب ترین در قانون سیاسی و با عزم ترین را انتخاب برای صدارت میکند و همین وزراء دیگر را بسببه اختیار و سابقه اشخاص میگذارد و آن شخص هم بحکم جنسیت و سعادت جوش نمیتواند اشخاص ناقابل بی مفر قاسد الاخلاق را بوزارت انتخاب نماید بالطبع هر جا صاحب یک سیاسی مطلع و من برستی را سراغ نماید بحکم ذره ذره قادرین ارض و سیاست بحلقه خود جمع می کند، و نتیجه آن میشود که این اشخاص که بر کله هم میگذارند کنش می کنند و بذریع معرفت علت الطل مفاسد و خرابیهای مملکت را از حیث پلیدی لشکری ببارن طلی اقتصادی دوزک میکنند و بهترین طرق را در دفع و دفع و دخل مضللات دولت واسطه شقوق را در دفع مهلتات

حکومت اختیار و مزد و مردانه محاسب حسابات خود
 نینماید و در پیشرفت آنها از تمسک به هیچ وسیله
 قزوگذاری نمی کنند، مادی پارلمان نمی شوند و بهر
 تدبیر و حیل باشد مقظونات خود را از پیش می برند
 تا چهار چشمی متوجه اوضاع عالم که امروزه مثل
 سلسله بهم وصل است می گردند. اگر آوازی و
 جنبشی در مغرب و مشرق محاسبات تمهیدات خود
 بیند با نوع لطایف الحیل (اگر ممکن باشد نمودن
 مشت آئین) سعی و تلاش میکنند که مخالفت را
 رفع و با ترتیبات خود همساز و موافق کنند.
 اگر موفق بشد استناده ابدک تغییری در شکل و
 اصل (تضمینات خود) آنها داده حتی الامکان بمقام
 موافقت می آورد و همیشه در تلاش آن میباشدند
 که دول را بهر قسم هست محتاج خود باید تا حوائج
 خود را انجام آرد. زیرا دولت هم مانند اشخاصی
 است تا طرف اهمیت و احتیاج نشود گفتار و
 کردارش محل اعتنا شده در حلقه دول محترمه
 نتواند در آید.

اما در ایران چه میکنند، اول مهربانی که پیشرفت
 هم رسیده هر چند عرض یک دسته شده هر دسته یک
 نوری را برای وزارت نامرد میکنند (آهم به از
 روی فکر و تامل دریافت و سافه و لاحقاً آن شخص)
 فرقه شیعه شخص میشود که نکمهای سیلشن را مثل
 امپراطور آلمان بلامرزد تعلیمی را در دست جرخ
 داده همیشه با سنان نگاه میکند. فرقه دایخانه الدکی
 میشود که بحیث پراختش از دوز روع کتر میشود
 و جلیدقه شب را با رداسکوت روز می پوشد،
 هر چه باو نگوید دموکرات و سوشالیست جواب
 میدهد. دسته دیگر مهر شارتانی میگردند که در
 مسابهای سرمیز با دروغهای آسمانی از اوضاع اروپا
 ایشان را وده و از وصف کارهای غیر العقول
 خود واه شان کرده، دسته دیگر محض اینست که
 قلمچاقی هم زنند که در زیر سپاه اش بچرند یکی
 از بستگان رؤسای مجامدین را نامزد وزارت
 میکنند، از طرف دیگر مدیران روزنامه های آن
 یارتن موهوم بنای نادمی و وزارت تراشی میگذارند،
 بچاره مدیر که مدار اطلاعاتش مسافرت بادکوبه و
 تعلیس (یعنی مجمع مخالفی عالم) و معلوماتش منحصره
 در ضرب زید عمراً ضرباً شدیداً، شاید هم باضافه
 چند کله روسی، در طهران می بیند شخص بهر ایا
 آلا فرنگ در یک دست کتف در یک دست چتر
 سزهای دستهای کاغذ از جیب های پتل و یخه
 بیرون میدهد تند و تیزتر از قفل هندوی و متحرک
 از سیلاب ایران سوراخ بیان سوراخ مینماید
 در دستش و در کف و خنده او و...

مفوج نموده بی در پی و موجب و راست کرده
 میگوید « کار دارم، کار دارم، وقت ندارم، بچاره
 مدیر مدهوش بحسبه تمدن و پلٹیک و حرارت میشود
 نفس کبیخته آهسته از این، آفت میبرد و بارو
 حکایت « یا مالام بوکد » یکی مدتر از خودش
 میگوید. حال فلانی است. در بچه در فرنگستان
 تحصیل کرده و ساها در لندن و پاریس بوده. بچاره
 مدیر عقاش باک می برد. بخود میگوید آقا در فرنگستان
 هم تحصیل کرد، پس باید وقت و خواست و زیارتش کرد.
 باری نوعی راه بخاره را باز و اجازه
 ملاقاتی میگیرد. داخل اطاق نحر و آقا میشود. چه
 اطالی، دور تا دور کتابهای کتبه کتبه فرسکی
 منقش با خطوط طلا در کال قشنگی رویم چیده.
 خود آقا روی صندلی با موی آشفته و روی
 نشسته، خواب آود، درد آود، در مقابل
 میزی بر از کاند نشسته، گرم نحر است،
 بچاره مدیر مرش را سیر میکند، ریر لب چند کله
 اطهار حلوس کرده تا که آقا سا میکند
 با صورت کج و کوله از بچوانی شها و گرفتاری
 روزها و عدم فرصت شکش باهاری گشتن و شکوه
 از روزگار و اعالی حق نشاس عدار ایران بودن،
 و اینکه حاش از اصلاح خرابیهای ایران ملک
 رسیده و در محسن یک هر آدم چیز مهم راست
 گوی درست کردار به تنگ آمده، شب و روز یک
 و تنها مشغول نوشتن مقاله ها است روز، ماهی
 فرنگستان، تاروسهارا ار ایران بیرون کند. محمد علی
 را در ادیسه محصور سارد. و سرمایه لندن و پاریس
 و آلمان را با بران بریزد و ایران را رشک عمالک
 اروپا نماید.

مدیر ساده لوح از دیدن این اوضاع و
 اطهارات محیرالقلول آقا و اثر مصحرات کله و
 قلم آقا کله اش مانند گنبد دوار و سینه اش ابار
 مطالب و اخبار برای مقاله ها میشود، بنامه حوصله
 اش لبریز گشته دیگر تاب نیآورده بر میخیزد و دستی
 با کرش میدهد و بیرون میرود ساخت رو باداره،
 دیگر بچاره خافل از اینکه به هر چونی عود است
 و نه هر منز می داؤد، مجرد بچی در مکتب
 اروپا بودن شخص عالم نمی شود، اگر این طور بود
 بایستی تمام فقه ها و کالکچها و کناسها یا کسبه
 بل غالب اهل اروپا که بمکاتب برای تحصیل مقدمات
 میروند و چیزیم جز خواندن و نوشتن یاد نمی گیرند
 باید عالم باشند، و خافل از اینکه توقف ساها در
 لندن و پاریس و چند خروار گوشت اسب و گاو
 با چند خروار برک کاهو و سیب زمینی بلع کردن
 شخص را مدبر و طلا در سانس و منته در قند

دیپلوماسی نمیکند، و بکلی بی خبر از اینکه مثل آقا (حق با کتب منت وقصه) گذر الحار بجهل اسفراست و آشفتهی حات و بیخوابی شب از از جرس یا شدت باد فتنی بوده، و کاغذهم که آقا مینوشت بیکی از دوا خنهای فرنگ برای تحصیل فتق بند بوده، همین که باداره میرسد قلم را بنواصی و خاطر را بر قاصی و خرمهره مسا از بحر روشت آورده روی ورق میبندد. یک مقاله بالا بلندی در وصف آقا مینویسد، آقا را بسارک دوران و ناصر الملک ایران میکند، و سیاستون اروپا را طفل دبستانش میشمارد و کلیدهای سعادت و نروت و بقای ایران را در جیب های شلوار آقا بقم میدهد، فریاد و نوحه میکند، بجه پاره میکند، توجه اهل وطن را بجهاب این حلال مشکلات و کبیج بادآور جلب و جز آن آقا هیچ کس را قابل سدارت و وزارت نمی شمارد.

باین ترتیب میباید منت نه نفر حیوان بی شاخ و دم متبسان لخصر متضاد القیده که در هر سری شوری و در هر سینه نشوری نه از دفتر پلندین الهی خوانده و نه در آنتب تجربه سیاست و محمی برده جمع میشوند، و آنها هم محض اینکه هر یک بر وفق میل و دلخواه خود عمر کنند و مانی دوراه منسورات طخود نه بینند بآن رئیس الوزرای حلیم بردار خانه شیر مرایی را اختیار میکنند. آبروت هسها بلارده بیضا کشیده بر سر کچل ایران می افتند آعدر زحمهای مذکر رو میزند نه خوب مثل سیلاب از هر طرف بحریان می آید و فریاد (ایمان) ایران بر گنبد لیبود می پیچد، و مسامع سا کذین افسی طاق شری و سر ب را مثالم میسارده بطوریکه خود دلایا وحشت کرده بیضا و بجنه فراری کنند، و از سه منزلی تغراف بنام میزند، که ما از ترس و وحشت فرر بر دیم محض تنن و استراحت تحصیل زده اینجا آمدیم، یعنی دست از سر کچل ایران برداشته ایم همینکه زحمهایش خشک و سر وسدا حواید عودت بدلانی حویم کرد.

حالا اصاف مبحوام که این اوضاع نتایج بی فکری است یا عدم اتحاد، کی چه وقت کابینه صحیحی از روی فکر و تامل انتخاب شد و از روی فکر کار کرد، و حواست و امها را اس و مملکت را منظم هدایت را بر عهده بجاوردت و اهتق لشکر را قوی طایر را مرتب کند، و روابط با خارجه از روی فنی دیپلوماسی و عدم کله سیاسی تمام نماید که مردم با فربه و دسنة از دوست و دشمن طالع شده گذاشتند.

وزیر مالیه که از کتاب نروت و فینانس چیز باب لا بنصرف (آنها در ماده دیگران) نخواهد وقتی که میخواهد کار مالیه مملکت را منظم و باصلاح آورد (مثل تاجر ایرانی که جمع نروت و وسعت تجارت را در تقلیل استعمال ساپون و شست و شوئی و امتداد چرکی بجه تا گردن میداد و بس) عوض اینکه منابع مالیات و دخل دولت را از روی علم و تحقیق و حکم قانون اکامای معین و بودجه دوستی با ملاحظه لزوم ادارات دولت و حوائج مملکت و مصالح اهالی مرتب و دخل و خرج را با دقت کامل معین و در سر سال و مجلس عرضه دارد و سرمایه داران عالم را از کفایت و علم و درستکاری اداره مالیه مطمئن سازد و منابع نروت باطل طامه و مستوره ایران را با مخارج استناد از آنها بر مجلس و عالم روشن و مبرهن نماید، مژد برای ساختن سد اهواز و آبادی آن نقاط و سواحل کارون که بتصدیق عموم حاصل خیز تر از سواحل رود نیل است، و بنبه کاری و برقراری کارخانههای نخ باقی در آنجا بازارهای اروپا را از حاصل بنبه و وربسان آن نقاط محلو و شکست بر سواحل رود نیل و بمبئی و هند و منچستر انگلیس وارد آورد، و سالی جهل و بجهه کورو لبره منافع برای مملکت و مابدی بزرگ برای دولت نشان بدهد، یا بساختن راههای تجارتی که بجرای جلب نروت از ممالک عالم است و راه انداختن (ترن و ناژد) که بدل خوب و کم خرجی است از راه آهن، و تحصیل اجازه قرضی برای آن از مجلس نماید، عوض این اقدامات در عرض سه سال یک بودجه (بند از ماده و فریادها از اطراف) معروض پارلمان میکند مثل بجه سقط شده مرابا ناقص که نه دولت نه ملت نه ملل خارجه از خرج و دخل ایران مطلع میشوند و چیزی مینهند و محض اینکه تکلیفی بدهد وزارت مالیه وارد نیاید در اداسه حقوق مردم همه را در بودجه از دخل میگوید نه از طرح، لذا همه حیرت میکنند که مالیات و اضافه مالیات های مملکت کجا میرود و چه میشود که بیچ کس هیچ چیزی نمی رسد، بالتبع سرمایه داران عالم از ملاحظه این وضع اداره مالیه ابرازا سرگرفته حساب میکنند و از اسم ایران و قرض با برانست میروند و چنین دولتی را قابل طرف حساب و کتاب نمی دانند و وقتی که دولت برای انتظام طرق یا ترتیب راه رومی محتاج قرض میشود هیچ کس امینان بدهد قرض همچو دولتی نمیکند مگر بضایات هول متبوعه طخود تا در صورت سوخته طلب شان در عوض از خاک ایران شیبد صافند.

دولت ہمہ جاہ ہم فرحت بدست آورده هزار شرایط
 غریب استقلال تکلیف می نمایند آنوقت فریاد از
 مردم و روزنامه های ایران بلند میشود و آنها مختل
 میآید برای توقیف قشون روس بهانه دست می افتد
 و (آلتی نام) انگلیس پیش می آید .

عوض اینکه وزیر مالیه در فکر و خیالات
 فوق الذکر باشد تمام حواس را متوجه مقرری و
 وظایف مشتی بجا آورده فلک زده که تمام مایه زندگیشان بر
 آن منحصراست میکنند گاه می رود گاه نصف می کنند
 گاه تومانی دو ریال میکنند و بالاخره هم نمی دهد.
 آن بد محتمای مستاصل را پاک فقیر و در وجهها
 در ملک گاه ها می اندازد و فریادشانرا با مان
 بلند می کند و هزاران استعداد وطن را که ممکن
 است از برکت تربیت از بین آنها ، مادر ما ،
 ناصرالملکها میرزا نسی خانها ، پیران بیادشایر و ناجیز
 می آزد و مردم را متتر از دولت مشروطه می باید
 در صورتیکه دول مشروطه و جمهوری اول نشان
 و تکلیفشان عدل و مساوات و آسایش و پاداری
 قضا و ضمای مملکت است ، چنانکه در انگلستان
 با کرور ما راه معاش و هزاران قسم اعانت (که
 یکی از آنها در ایران هم نمیرسد) هر کس که از
 شصت و بیج میگردد هفتاد هشت شدتک و نیم که
 معادل دو تومن ایران است دولت میدهد و در
 فرایه بکاف قبل بود نه برای بارگزار و همه مسا
 هم نه از شصت و بیج میدهد و پینه مقرر گردید
 و بدار اسطه (دوازده ملیان) مستمری خور
 علاوه بر دهر مایه دولت فرایه شد . که بدین
 طریق و مرقمهای دیگر سالی چند ملیان لیره
 صرف میکنند و امالی مملکت خود را بادر و آسوده
 و قادر بر تربیت و تحصیل قایل بود و روز
 استعداد های فوق العاده می سازند و مایه اعتماد و
 رضایت فراهم می آرند . آنوقت بکف همان مردمان
 ممالک ملل احق مشرق را تصرف و از حاکم روخیز
 آنها سالی بچاه الی پانصد ملیان لیره مع می برند ،
 این است که باید فکر کرد و سوراخ دعا را
 کم نکرد .

مثلاً وزیر جنگ بجای آنکه قشون برقراری
 دولت را بسرعت ناد و رقی اصلاح و تربیت و
 انظمامش را بر اساس صحیح دائمی نماید ، و
 صاحبان برای تعلیم و انظمام قشون از خارجه
 بیآورد و مدرس نظامی مرتب کند و تمهید و
 اساسی برای تعلیمات نظامی و زیر اسلحه بردن تمام
 ملت بریزد و حصار آهنگ از توه نظامی دور مملکت
 بکشد و مملکت را از تجاوزات خارجه مصون و ملت را
 قادر بر حفظ منافع و گشت و زاری و گلزاری

مملکت خود کند و درصدد ترتیب و بنای استحکامات
 در نقاط لازمه سرحدی برآید و در انجام این
 منظورات شب از روز و محرم از نوروز نشناسد ،
 و در تحصیل مخارج صورت خارجی دادن آنها هم
 اگر اشکالی بند و مخالفی مشاهده باید بدلائل و
 براهین و لطف ماطقین بر ملت و مجلس لزوم آنها
 را مجسم دارد ، و دولت را از پلنگ بوسیده محرمه
 قلجیانی ترانی و توسل بدین قبیله و بدان عتبه
 مستغنی سارد و با دول رابع و خامس افلا در قوه
 نظامی ایران را بر او کند ، بجای این اقدامات
 حاجی نامهای طهران را جمع کرده شورای ملی
 ترتیب میدهد ، آنها هم مایه یک دو بار می آید
 می نشینند هر یک وش ورنک لباس و حقیقه کلاه
 قشون یکی از ممالک اروپا را که دیده یا شنیده وای
 قشون ایران تصویب میکنند ، در نقشه دکه و ترتیب
 کلاه صاحبان صاحبان محفقت است میکنند ، در هر تصادم
 و اختلاف آراء در سر این مسائل مهمه هر و گهای
 گردن را از عوانی گرفته کلاوما پاره میکنند و برمی بزنند
 و با یک من قض از یکدیگر و شکوه از عدم قدر
 دان و تمیز و یأس از ایران مفرق میشود ، وزیر
 جنگ هم خود را همین دلخوش میکند که بهیچیزی
 بدش بسته سوار کالسکه شده با یک دوژن سوار
 امیر تومن و سردار در پین و بسار دو خیابانها
 چهار نعل سازد و از گرد و خاک زمین را شش
 و آسمان مهران را شست کند

آنوقت سرحدات ایران مثل خانه دو بسته همچون
 می شود ، قشون عثمانی و روس و انگلیس از هر
 طرف داخل میشوند میگیرند می بدهد می شد نایب
 حسین ما رحبه جانها زهر مارها سر بلند می کنند
 بیای تاخت و تاز و قتل و سارت ، بگذارند روس
 قشون بیشتر بر آرد ماه ومار از زن و مرد بلند
 می شود ، احمس ها لواجب حاسه ز و استقامت مهابوبات
 اربابی درستند ، مار را لالی گرم میشود ، وضع خانه
 خرد را مان حال میگذارند ، حتی رو با طرف عالم
 برای شکوه و تامل اروپا و عثمان و انگلیس می بینند
 جوی هم دور هم می آید که احمس اعتماد فراهم
 بیآورند و عالم را با یک و ز فکر می خود بخنداند ،
 وزیر امور خارجه بجای آنکه شخصی بر مقرر
 موقع شناس ، مدر ، محل ، و شیرین زاز ، و من بستی
 باشد و در ادب اع با یک عالم متبحر و برف و
 حیده که تکلیف شود نقشه های مخفیانه دول مشروطه
 با سبای وسطی را بدست آورده با کله سیاسی و
 هوش نیز آنها را مورد ملاحظه و دقت کند و
 و علت الملل تنها ماندن و محصور شدن ایران
 و اتفاق روس و انگلیس را در قسم ایران دور

کند در طامر با اطایب الخلیل با همسایگان قوی دست بسازد و برد است بازو و بهانه ناخشن بجنونی ایران بدست آنها نهد و در ضمن فرصتی بدست آورده با مستمسکات حلق الساعه که رو می دهد (و در آن آنها هم عوض و اصلاح مخصوص بخواهد) مشغول بطالان فرار داد روس وانگلیس گردد ، و مقتضای را که مستجاب یاس دولت انگلیس از دولت ایران واسلافش با روس گردیده ده و رفع و قلع و قمع نماید با تمهید بهتری و بخت هدیت و ارائه خود همقماران دیگر را در تصاقب آن تمهید و پندیت با خود منفق و ایران را بکلی از موسوع رقابت خارج و (نالی رند) تانی شود که با وجود مظلومیت و ملوکیت و بیجاری فراسه بعد از حلع و حبس با بلایون در جزیره (ایبا) و اتحاد دول بر ضد فراسه بهوه که سیاسی ، حیل دیپلوماسی مطه ممکن الاحتلال را مقوسل شده دول را از هم جدا ساخت و اسلم آنها را با خود و ضد آخر آنها کرد. و ابرار ارحصر مستخلص سازد، بجای همچو شخصی اگر یک (همت حوش) کبریت مغز منطل کلام و ملروه محصری معین شود و او هم محض اظهار علم سیاسی و دیپلوماسی الفاظ معامده و حقوق ملل را (بدون اینکه تمهیده باشد روس معامده برن را در ارادی بدر باطوم و اطریش واحد بوسبیا و مرز دویا تا چه اندازه محفوظ داشته) ورد زمان رده و برای نمودن دلبری و شجاعت بره رسد و در جواب هر چیزیکه نشود باریب و بریط هی مکرید معامده ، قانون ، الملل ، معامده ، قانون ، برین ملل ، من حق دارم تو حق مداری تو حق مداری من حق دارم ، انصاف بخواهم اتحاد و اختلاف ملل را در این چه تمهید و ربطی است و بر عدلیه هم می آید در هر هر اطاق یک تا بلوی برری می چسباد و برای هر اطاقی اسمی میگذارد و قوی از باردم - ساند ها و که نه از قانون وری خوانده و از جدان و عدالت یوش شنید. کلیم حصبه را مال خود و رسم عبار را شاگرد خود حساب می کنند جمع کرده هر دسته از آن را در اطاقی میگذارد خودشم روزها با کال چم و خم سوار قلسه شده بدایه تشریف می آورد چند مریضه داد خواهی را نگاه شاهانه کرده خوانده بخواهد تمهید ، تمهید رهی منز میریزد. از کثرت کار و عدم قدر دانی و فضلی بمسبوعات شکوه کنان سوار کالسکه شده میرود کلوب حلقه های دود سیگارت را مذا زخم بهوسا میکند. نتیجه این میشود سکه حقوق همه پاهال میگردد ! جان و مال و عصمت زن و مرد ضعیف

و قوی همه معرض خطر می شود ، بملکیت بحال آتاریکی می افتد همه بستوه آمده فریاد (ایامات و افوت) از زن و مرد باسان میرسد خویش و بیگانه از هم بیزار گ فرار میکنند و اوضاع محشر بزیا می شود. همین است

(بر آن ملکیت زار باید گریست)

(که فریاد رس را ندانند کپست)

حلوب آقابان اگر عدایه در ملکیت نیست و از پیداد و ظلم وی اطمینانی زن و مرد ارمم بیزار و فرار میکنند مال داران فدیه خود را بجای اینکه در آبادی ملکیت صرف کنند زیر زمین می نهند چگونه اتحاد در همچو ملکیت نکلی است موجود شود ، ملکیت را با این حال گذاشتن و بری اتحاد نامه المحس تشکیل دادن و نغمة دیگر بر دستور افزودن بعینها مثل جوانی می ماند که گرگ در کدانش اتاده باشد و گوسفندان را هراسان و بهر طرف متفرق سازد و خود جوانان در روی سسگی لم داده (عوض اینکه بر خیزد و گرگ را نکشد یا دور سسارد) برگ علی را از زمین چیده در دست بگیرد و بگوسفندان دودو بکند که گوسفندان متفرق نشود و در یکجا جمع گردند سبحان الله بی فکری و حیل در بین ملت چندین هر ساله که وفق قاید و هادی عالم در علم و تمدن و حکمرانی بود چه گونه ممکن است باین پایه برسد ، پس علت الملل همه این بلاها و مصائب نیست بگر از بی آگری و عدم توکل در اوضاع و امور ،

یک نظمی اگر بمالک ، تمدنه منظمه اروپا بندهایم می بینیم یارت بازی و تلاش در اجری پلینت و عقاید خود ، و استمسکات معجب مضحک در تضییع و بر انداختن فرقه مخالف و تعیب عباد و خبیات ، و نتایج اقدامات آنها در اروپا اندازه است که عقل متحیر است ، اگر در مروج انتخابات عمومی ایران در یکی از ممالک اروپا باشد از سادات و بهتاهای اساس فرو مختلفه نیکدگر و اشکالی که از پیش روان بدیگر سرفردان فرق در تصور داشتن خبیاتهای آنها می حسسند و بدر و دیوارها می چسباند ، واله میشود و از نظمهای طرفداران پارتیها و هیجانی که در بین مردم می اندازند حیرت کرده لاجول بخواهد و میگوید : آیا این چنین ملکیتی را هم متمن و بن نوع اشخاص را هم وطن پرست و متحد میتوان شرد ؟

روزی در موقع انتخابات عمومی در اروپا یکی از نامتین معروف را دیدم که در بین جمع کنیری روی منبر ایستاده اطلق میکند در حالی که سر و

سورث را بستند و خوب دو حوالی صورتش
 لشکریه میگوید حضرات میدادند من که میان شما
 بیروز سالم بودم چرا امروز باین حال افتادم؟ چون
 زرقه مخالف دید که من معایب حکمرانان و مملکت داری
 و زوای آنها را با دلایل قاطعه ثابت و مسجل میکنم
 و عدالت نتایج پلنگ آنها را واضح و مدلل می
 سازم چند روز بود اتصالاً انواع حیل را در باز
 داشتن من از آمدن برای لطف متوسل شدند مفید
 نبودند، امروز که روز آخر انتخاب بود محض آنکه
 از شرم آورده شوند متوسل بجهله و حشیاة بی
 دمایة شدید، درحالی که من در (تون) نشسته
 بدین خطبه می آمدم دو نفر بخراشیده داخل
 (تون) شدند، نزدیک من نشسته های مسخره من
 را گذاشتند بالاخره ی تاب شده اعتراض به زادی
 آنها کردم، اعتراض همان و مشتها بر سر و کله من
 فرود آمدن همان، مخصوصاً بدهان و جانه و صورتم
 می زدند ~~که~~ مرا از قوه بطق امروز بپندازید،
 چون کسی بود که شکم کند همین که از حال رفته
 مرا گذاشته رفتند بعد از محال آمدن چون مقصود
 را درک کردم، بخود گفتم مرگ هم امروز نباید
 مرا از هدایت و خدمت ملت و مملکت باز دارد،
 (از زمین تیغ گو رو ز آسمان تیر گو بیار)
 (از سر کویت ای نگار نکشم با هیچ رو)

این است که امروز درین شما هستم، آیا ای
 مردم از همچو اشعاسی که باین وسایل و حشیاة
 متوسل میشود چه چشم داشتی از حکومت و دوستی
 آنها تو باید داشت ؟

از مشاهده این حال و استماع این گفتار اوضاع
 ایران را بخاطر آورده بی اختیار خندیدم، پس
 با این همه حیل و اختلاف و ضدیتها و تخریب
 و تضییع ~~یکدیگر~~ علت چیست که ممالک اروپا منظم،
 ادارات ~~بهر~~ مرتب بر از چرخهای ماشین و شهر
 ها مانند گلستان ارم است، و قوای بری و محربشان
 در اکناف عالم مشغول فتوحات اند، و ثروت و منافع
 آنها را بمالک خود جلب می کنند،

علتن این است که هر پارتی که روی کار می
 آید از روی فکر تشکیل کابینه میدهد، برمنزترین
 مطلع ترین، وطن پرست ترین، با حزم ترین را
 برئیس الوزرائی اختیار و باقی را بعهده کنفایت و
 و برای مطلق او می گذارد و باجان و مال عیال
 و اولاد هر پارتی کابینه خود را حفظ و دفاع می نماید،
 و چون رئیس الوزراء هم از روی فکر سایر وزراء
 را انتخاب میکند لهذا وزراء مردمان می شوند از
 نخبه های آسمانی پارتی متوجه و متامل هر ادواک

و عناد ها هر يك از وزراء با عزم نوح و ثبات
 حکومت، صبر ایوب و خدع عمروطاس در اجرای
 تکالیف و امور مجوله خود میکوشند عدالت برپا
 میکنند اشرار را توبیه میکنند لشکرها می سازند ثروت
 جلب می کنند دول را با ممالک خود دوست و متحد
 می سازند و تمهید آنها و بچاره کردن دشمنان را
 میریزد ملت را تربیت می کنند و بقول فرطی ما
 تا رای مخفی و ورقه آبی را به نند دست از کار
 نمی کشند و هر مادی می لرزند، کی؟ چه وقت؟
 کدام کابینه ایرانی از روی فکر و عقل با عزم
 راسخ و قدم ثابت در پیشرفت تکالیف خود
 کوشید و کاری پیش نبرد، پس باید لیاقتی را در
 پیچیده کرده روی طاقچه گذاشت، فکر کرد و از
 روی فکر کار کرد.

شاید بعضی ها بگویند آدم نداریم چند مریدیم
~~که~~ داریم گوشه گیری میکنند، در جواب
 عرض میکنم این فرمایش هم از روی بی فکری
 است، اگر آدم ندارید چرا ایسبه تسامح و پشت
 گوش فراموشی میکنید در آوردن مستشار های
 خارجه تا ابرامها را تعلیم وزارت داد، آدم تراشی
 کند، باید مستشار ها را وفق آورد که مملکت
 رفته است، مثل حکم صادق که به دست مرگ
 مریض می آورد در ایران،

آقایانی هم که لیاقتی دارند و گوشه گیری میکنند
 آنها هم بی فکری میباشد، در وقت اشکال و برایشان
 است که اشعاس لایق باید حوهر خود را روز
 بدهند و الا وفق که تمام ادارات منظم شد و مثل
 چرخ مرتباً حرکت افتاد هر کس میتواند وزارت کند،
 ملیتی که از دور تماشا کند یا بیطاری که
 مریض را می کشد در گناه شریک است و هر دو
 حاین محسوب اند، و آنکه آقایان گوشه گیری
 میکنند که بشانسان توهین وارد نیاید، آیا وفقی که
 مملکت رفت تمام شئون آنها را رو بهم بگذارد
~~کسی~~ به پیشری میبرد، لا والله پس باید فکر
 کرد و در دبستان فکرت حضرت والا ناصر الملک
 که امروز استاد بزرگ در تعلیم فکرند تحصیل قوه
 تفکر با کمال ادب نمود و بدون اینکه حضرتش را
 مورد کشمکش داشت استفادها در تعلیم این فن
 بر رفع کرد.

امیدواریم که این کابینه جدید که از روی فکر
 و اساس صحیح از بر تو آفتاب هدایت والا حضرت
 نایب السلطنه تشکیل شده از سلف های خود عبرت
 گرفته از روی فکر کار کرده نمر های بزرگ باید
 دولت و ملت دارند و سر مشق تفکر برای مانه

➤ بدبختی در بد اخلاق است ➤

مکارم اخلاق فصل اخیر و علت نامۀ حصول حادثت ، سعادت یا شقاوت هر قوم منبث از اثرات خلقیه آن قوم خواهد بود ، هر قوم که ز تحصیل معالی صفات تقاعد ورزید پست ترین میباشان مبعوط بدروکات شقاء و بدبختی است ، بلا رسید عاداتیکه مخالف با قوانین مقدسه است حتماً ضرر محال است و هیئت اجتماعی و تماماً در عداد پلنگانند ، معالی صفات یا مقابلات آن در هر قوم به طبیعت انبوی پیدا کند و عاود را مستحق سعادت مستعد شقاوت می باید مبداء برز و منشأ ظهور آن سنت زرکان و مرجع قدح و مدح هم ایشانند .

بنیادی اخلاق که اثرات مشتهیات نفسانیه ذمیه ند بلا شرط مؤثر و فقط حاذیة میل نفس بسمت مشتهیات او را کالی است ، ولی در طرف معالی تطابق قول و فعل یعنی صدق و اخلاص بلا شبه شرط نفوذ و تاثیر شناخته شده است و بدون تحقیق این شرط حصول تاثیر ممتنع و بر فرض تسلیم امکان به نسبت نقصان درجات صدق و اخلاص اثر قاعد یا ناقص خواهد بود ، اقدام هر قوم که بی نتیجه و نمر می ماند مدلل میدارد که در هیئت مبشرین حقیقت صدق و روح اخلاص منقود بوده است ،

بشهادت کل دنیا و فضاوت وجدان ترتیب حکومت ایران در کمال قباحت و رفتار درباریان در نهایت وقاحت بود ، اقتدار شاه نامحدود اختیار وزراء و حکام غیر منتهای همیشه در بازار بیابانه عمومی وسیله مبادله نقد ردالت بود ، لذا در مخزن ثروت ملت جز سخاوت فقر ، و مذات چیزی دیگر ادخار نگردید ، عرض بیان اوضاع قدیم بیست ، سخن بر ترتیبات دوره مجدد است ، اگر از روی انصاف استیفاف نظر بنائیم و راه حقیقت را به پیانیم باید مسلم بدانیم که ترتیبات امری با اوضاع سابق طرف نسبت پست گذشته از اینکه دوائر دولتی از وضع قانون محروم مانده به افبع وجهی دوجار سکنه و احتلال شده و بجای تهذیب اخلاق اعمال سوء و نفاق عمومی اشاعت یافته محدیکه در تاریخ هیچ ملت نظیر آن دیده نشده است ، و بدبختانه يك قضیه معکوسی با حالی می نماید آنچه وسیله سعادت دیگران بود مایة شقاوت ایرانیان گردیده

بطوریکه حیات وقایع هم نزدیک است بموت دائمی مبدل گردد ، و چون سلسله اسباب بدبختی را تعقیب بنائیم ببلایات مصادو عالیله خاتمه پذیر میشود و حال صاحب نفوذ امروزی همه از عناصر قدیمه و حزب ارتجاعند احداث آشوب داخلی که فشار خارجی را تولید نموده و در اعتراض اجانب را با گشوده است همه از تمدنیات اجانب می نالند و میگویند روس و انگلیس چنین وجنان می کنند ، ولی من بگویم که علت الطل این همه ذلت همان سیئات اعمال مقتذین داخله است ، که برای عیش و نوش و ریاست و وقتی خود ارکان اسلامیت و اساس استقلال ملیت را فدای اغراض شخصی خود می نمایند

در موضوع اختلافات اخیر همینکه بنظر دقیق تامل شود جز حیادت منافع و صیانت مقام و ابطال اعمال یکدیگر چیزی دیده نمیشود ، اگر خیالات و کلاه و وزراء قدر مشترکی داشت شامت تقریب انقلاب و اعتدال که دو اسم بلا مسمی بودند قدرت جمع را منحل نمیساخت و اثرات میثومه خود را باطراف منتشر نمی نمود و در شمال و جنوب آن همه قیل مست پیدا نمی شد و آفتاب استقلال قریب به صف النهار زوال می رسید

چگونه میتوان تصدیق نمود که رجال با نفوذ تصور فوائد اتحاد را نکرده باشند و بنیاد قومیت و ملیت خود را در حفظ قدرت عمومی ندانسته باشند ، ولی چون این قضیه از بدیهیات است همه میدانند و خوب هم میدانند و لیکن حالت حاضره و ترتیبات امروزی جالب مشتهیات نامشروع و ایشان را از فشار استبداد سابق و مؤاخذه قانون مستغصم داشته بقاء و استدامت آن را موضوع اتحاد قرار داده ، نتیجه حصر استمداد ایشان در این موضوع این شده است حکه امور قانون و نظام سیاست از حرکت باز مانده سکون دائم را اختیار نموده است ، دوره مجدد آدم جدید لازم دارد و سلطنت ملی بر محور انکار عمومی باید حرکت نماید تا در نحاس آنها اشخاص دوره ناصری و عهد مظفری میرایام در بوشهری از زرکان هیئت مستقبلین ایالت که کبابه وزارت فارس را میکنند باید طبعه مخصوصی در مجلس عمومی میگفت که کار را باید بیان اشخاصی بیان که در امور مملکت کلمات

دوایت شهرت دارند و گذار نمود، کسی نکنت که اینهمه مدت مهادی که با شا بود چنانچه برای ملک و ملت حاصل گردید، ذات معل صفات دیگری که هوای همسری با سرداران بزرگ دارد میگفت که چگونه میتوان این مصیبت دوره تجدید را تحمل نمود که يك نفر منشی بمرتبه وزارت رسیده بمن تلگرافی کند که تو مسئول هستی فرمایش محرمانه نالت آنها در حق مأمورین ادارات بعد ها نوشته خواهد شد، در بملک مندمه صاحب نفوذ مطلق اخلاق و افکار ملت است که بر اولیاء امور شان آمریت دارد و در ایران بر عکس معمول است یعنی اخلاق و طبیایع رجال با نفوذ قمریت نامه دارد، این است که همواره رشحات دماغ از مجاری خیالات این قوم جریان نموده موس طبقات نازله را منجلا ب رزائل قرار میدهد، لذا فساد اخلاق و عامه طبقات غالب و طبیایع عمومی مغلوب جهالت گردیده است، علاج هاست که همواره حبل المتین نوشته باید تاریخ دوره خود را اعاده نماید و شروع به تربیت و تهذیب اخلاق بشود تا آنکه رای عام و افکار افراد آمریت پیدا کرده ادارات ملکی و منافع عمومی را توسط قوای تازه بگری دارند

(اسکلّه بوشهر)

پیش آنگ تووه گس میشود

يك منی است که از قدیم شنیده و مثال آنرا دیده بودیم مگر حالا که مصداق آن کشتی جنگی (برس پلیس) دولت ایران به همت و مراقبت حضرات بلژیکی ها شده است، کشتی مزبور سکه ممتاز و کار (آلمان) است مرحوم (صنیع الدوله) و (مخبر السلطنه) که ایرانی و ناصر ایرانیان اند به قیمت مناسب خریداری نمودند، بجای اینکه مدافعه از تجاوز به حقوق و مان و دارند یا اقلآ برای آن مقصود مقدس اسباب ایصال قوای قاهره دولتی به نقاط لازمه نمایند واسطه حل سنگ یا در حقیقت حل بار سنگ به (عمره) می سازند، این محو که چون کلیه کشتی های ایران بخلاف قوانین تمام دنیا دونخت اداره و اراده صاحبان بلژیکی گمرک است و به آن مناسبت بایستی مهندسی هم که برای کشتی از خارج استخدام میشود در دولت حاضر بگری مثل انگلیس و آلمان و فرانسه

تراذ باك خدا داد بلژيك نباشد .

چنانچه مهندس مذکور از روزیکه مستخدم شده همه را در فکر خرج تراشی بوده نهایت از جانب انجمن بوشهر و غیره اوقاتی که آقای خارقان آنجا تشریف داشته اند جلو گیری گردیده و در حفظ و نگاهداری کشتی ها نیز ادا از وجود آن مهندس فرقی دیده نشده است، و در صورتیکه سایر این کشتی ها که خرید آقایان بلژیکی است و اصلاً مصرف ندارد و بکار ساحل و بحر هیچیک نمی آید و خود و مصارف آنها بهترین نماینده از خدمات حضرات بلژیکی های مستخدم گمرک ایران و حال امروزه هم بطوریکه عرض شد چنان است، با تمام اینها تم التدارک و آخرین تدبیریکه صاحبان بلژیکی مزبور فرموده و در نظر خودشان گویا ایران را احیا نموده اند این است، با کشتی جنگی برس پلیس سنگ به عمره به فرستد سکه مهندس موسی الیه برای تعبیر کشتی های موهوم معدوم بنای جانی بکنند.

و عجب این است از طرق کشتی جنگی دولتی را با شرافت ها اینکه دارد بمقام چهاربا تنزل میدهند و سنگ بار آن مینهند و از طرق باز از رسمیت خارج نمی کنند، و قواعد نظامی در ساعات معینه در آن شیور میزنند که معلوم نیست اولاً آیا در سرحد و انظار خارجه و داخله این مسخره را برای چه وجه قانون مینهند؟ ثانیاً آیا تفاوت کرایه سنگ مستقیماً به کیسه دولت میرود یا راه را گم کرده به محل دیگری داخل میشود؟ ثالثاً آیا قیمت ذغالیکه صرف سفر کشتی شده با کرایه سنگ کدام زیاد تر است، رابعاً آیا بعد از تحمل آنچه مصارف این کشتی ها برای دولت و ملت مصرفی خواهد داشت یا فواید آن به آقایان بلژیکی باید خواهد بود؟ این قدر رعایای بچاره داخله که مقول و صادره میشود آیا از آن چه بدولت رسانده اند؟ خامساً آیا این کشتی ها برای خدمات دولتی و از روی مصلحت و ضرورت است یا بعض خدمات شخصی و به اراده صاحبان بلژیکی است که فلان (مسیو) با موجود بودن پست يك پاكٹ مجهول به کشتی (برس پلیس) و غیره بدهد و از (بوشهر)

(مادم) اوقات قرنطینه خودشان را در آنها بگذرانند، یا مختص تنزه خود بدانند.

بقراریکه دیده و گفته اند موقع فوت پادشاه بلژیک در (مجره) بیرقهای دولتی را تا نصفه کشیدند و مسیو بلژیکی که در خدمت ایران است بیرق گمرک ایران را در روز (ماشورا) و ایام محرم رسی تا نیمه کشیدند. حتی هنگام فوت نایب السلطنه دولت مناد تلگراف دولتی را مجرا نداشته است. این مسیوها خود با استخدام ایران کلاه خودشان را بر سر میگذارند و بیشتر محاسبات و مکاتبات و بلکه مهر و سررا بخط خود میبایند. سهل است مسیوهای ایران و عثمانی نیز که مستخدم گمرکات اند همان معامله و به بی نوا مسلمانهای ایران مناخره میکنند اداره از ایران. پول از ایران، خاک از ایران و کما ایجا ما خاک بر سرمان و فی الواقع پیش آمدنگ خود و توبره کش دیگران

قابل توجه وزارت مالیه

از جمله خرج تراشهای دوره استبداد و اسکله تاریخی که بر این دولت و ملت شش هزار ساله وارد آوردند تبدیل دفاتر و اوراق دولتی است به زبان خارجه، خصوصاً اوراق دفاتر گمرکات. بواسطه آنکه دفاتر گمرکات جزوب بعض از آنها به انگلیسی و بعض از آنها به رانسای و بعضاً بفارسی نوشته میشود و استاستیک گمرکات نیز به زبان خارجه طبع و توزیع میگردد. با آنکه در بنادر و عربستان محاسبهای قابل به ماهی ۱۰ - ۱۵ تومان در تجارتخانه ها مستخدم هستند. اداره گمرک که باید پیش از همه سبی در تقلیل مخارج نماید با این قدر دولت و ملت به عذر اینکه باید مستخدمین دفتر را به زبان خارجه بنویسند ماهیانه از ۲۰ الی ۷۰ تومان موجب بخارجه ها میدهد. توفیر عمل این معامله تقریباً در سال به صد پجاه هزار تومان میرسد. از جمله معایب اوراق گمرکی اینست که تاجر ایرانی نمیتواند بخواند همه اوراق را. عیب دیگر آنکه علامت دولتی که شیر خورشید است در این اوراق نیست. از جمله خرج تراشها اینست که اوراق گمرکی برخلاف قانون دول به دو زبان طبع میشود. همین است در صورتیکه به يك زبان بخواهند طبع نمایند نصف مخارج طبع فایده دولت است

خلاصه با آنکه در هر اداره که بلژیکی هست مزجم هم هست دیگر این تحمل این مخارج و بدنامی چرا. از جمله ضررهای استخدام اجزاء خارجه فقرات ذیل است - رعایای خارجه بواسطه بستگی به دول خارجه خیانت های آشکار میبایند. یکنفر نصرانی بغدادی که دفتر دار اداره گمرک است در واقع علاوه بر مواجب کزانی تجارت مشروب و غیره هم میباید - مدتی بود که از گمرک خیل مال التجاره منقود و بعضی دستخورد. همیشه تا اینکه در ۲۳ حوت ۱۳۲۸ چهار صندوق شاهین مال قوسول انگلیس منقود شد. جوت قوسول خیلی سحت گرفت در روز ۲۵ حوت در منزل همان نصرانی در مجره که يك میل از گمرک دور است پیدا شد. آیا کسی به آن نصرانی صحبتی داشت؟ چرا، بواسطه آنکه رعیت خارجه است.

از جمله مستخدمین گمرک. یکنفر یهودی رعیت خارجه است اموالیک در اسلک گمرک هست سپرده به او است در ۲۷ حوت يك عدل قاش که تقریباً ۲۸۰ من تبریز وزن داشته و صاحبش ادعای سیصد لیره میباید از گمرک منقود شده. غیر از آنکه های مال التجاره که غالباً دست میخورند. مواجب آن یهودی ۲۵ یا ۳۰ تومان است

درچندی قبل درویش نام که از معروفین مجره و حال مستخدم است در اداره نفت به ماهی چهل تومان محض خدمت به دولت و ملت دو عریضه نوشت به ریاست گمرک که من با تصه مسؤلیت حفظ مال التجاره حاضریم به ماهی پانزده تومان ماهوریت شرط را قبول نمایم. ابداً به او جواب دادند. امیدوار از بذل توجه او ایلاء امور که رفیع این بدنامی و خرج زانی را و به روی کار آوردن ایلاء ملت و زبان ملی نمودن دفاتر و اوراق بفرمایند

نزاع روس و چین

(قابل توجه ایرانیان وطن دوست)

(سبب نزاع چیست ؟)

مقاله ذیل از قلم مستر ویلیام مکسول در اخبار (دیلی میل) در خصوص اظهارات يك روزنامه روسی که چند روز قبل وزیر لشکرای روسیه که زیاد در